

سهم قید شود این زیادی است بواسطه اینکه بحکم آن ماده باید عدل شود

رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهادیکه مخیر از طرف کمیسیون میکند این است این جمله آخر حذف شود

حاج شیخعلی خراسانی - بنده پیشنهاد میکنم که این باقی باشد که مقدم باشد بر پیشنهاد ایشان

رئیس - پس رأی میکنیم باین ماده بدون حذف آقایانیکه ماده ۲۹ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده (۳۸) الحاقی (بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۳۸ الحاقی - هر يك از سهام باید لاقفل بامضای دو نفر از مدیران و يك نفر از نظار و در صورت تعدد مدیر والا بامضای مدیر و يك نفر از نظار رسیده باشد

لواءالدوله - بنده يك نفر از نظار را کافی میدانم بجهت اینکه شاید يك نفر مدیر باشد چون تعدد دارند از آنجا میشود دوفنر نظار باشد حالام که دوفنر مدیر شد باز استحکام دارد که دوفنر نظار امضاء بکنند پیشنهادی هم میکنم

رئیس - رأی میکنیم بماده ۳۸ الحاقی آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۳۹ (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۳۹ - اگر سرمایه از صد هزار تومان بیش نیست سهم یابرش سهم از پنج تومان کمتر نخواهد بود در حدود دو صد و بیست هزار تومان سهم یابرش آن لاقفل هشت تومانی و در صورت تجاوز از ۲۰۰۰۰۰ تومان لاقفل ده تومانی باید باشد

رئیس - مخالفی نیست رأی میکنیم آقایانیکه ماده (۳۹) را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۵۰) بمبارت ذیل خوانده شد

ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معین از میان شرکاء مسئول بانقلاب معین می شوند

حاج عزالممالک این مسئله اینچامگر گفته شد و اغلب آقایان موافق بودند که تغییر بکنند تعجب است که باز کمیسیون همان ماده سابق را پیشنهاد کرده است بنده انتخاب مدیر یا مدیران را بانقلاب شرکاء مسئول صحیح میدانم ولی منتخِب را صحیح میدانم که حتماً از جمله شرکاء مسئول باشد بجهت اینکه

بد از اینکه حق داده ایم که شرکاء مسئول مدیر را انتخاب کند آنها اگر کسی را لابق دیدند از بین خودشان البته او را انتخاب خواهند کرد و اگر از بین خودشان کسی را لابق ندیدند شرکت مجبور نخواهد بود که از میان شرکاء مسئول حتماً انتخاب کند پس بانعتقاد بنده حق انتخاب را باید داد بشرکاء مسئول ولی آنها مختار باشند که از مابین خودشان انتخاب بکنند یا از خارج محدود نباید باشد

که از مابین خودشان حتماً انتخاب بکنند

افتخار الواعظین - فقط برای اینکه بعضی از مواد دیگر را آقایان ملاحظه میفرمایند که کمیسیون پیشنهاد کرده است و زیاد مذاکره نفرمایند عرض میکنم در خدمت خود آقای رئیس باز صحبت شد

پیشنهادی در اینخصوص از طرف آقایان نمایندگان شده بود که بنده در مجلس آن پیشنهاد را قبول کرده بودم و این پیشنهادها این بود که اگر چنانچه از بین شرکاء مسئول يك کسی لیاقت برای مدیری نداشته باشد از خارج میتواند انتخاب نمایند برای اینکه اگر از هیچیک از شرکاء مسئول کار تجارت بر نیاید آنوقت چه باید بکنند ناچارند بسروند

يك نفر غیر از شرکاء مسئول بیآورند مهیاء در کمیسیون وقتی کعلت و فلسفه این را فرمودند بنده هم قانع شدم و آنچه مستفاد شده است و فرمودند این است که موافق قانون باید مدیر از میان شرکاء مسئول انتخاب شود برای اطمینان عامه مردم باومنتهی در وقتی که مدیر تجارت را نداند و عالم به تجارت نباشد آنجا فرمودند مجبور نیست آن کسیکه او را

انتخاب کرده اند خود او برود معامله و تجارت بکنند بگفتن یا دو نفر از میان شرکاء مسئول را بسمت مدیری معین میکنند اگر آنها هم علم تجارت نداشتند ممکن است که از طرف خودشان دوفنر سه نفر مستخدم امین که عالم به تجارت باشد معین ولی مدیر بحکم قانون در هر حال باید از میان شرکاء مسئول باشد

ارباب کبخسرو - اینجا دو شکل مدیر هست يك شکل مدیری است که از میان خود شرکاء مسئول انتخاب میشود فقط برای امضای سهام و برای ترتیب خود اداره است نه برای اداره کردن کارو

يكی مدیری است که کار را اداره میکند البته آن مدیریکه از بین شرکاء انتخاب میشود برای امضای سهام باید از شرکاء مسئول باشد و در آن بنده هیچ ایرادی ندارم آنوقت هم ایرادی نداشتم ولی اگر برای کار باشد هیچ مجبور نیستند که حتماً از مسئول باشد از خارج هم میتوان انتخاب کرد

زیرا که باید از میان شرکاء مسئول کسانی انتخاب شدند که سر رشته تجارت نداشته باشند بنده میدانم آن شرکائی که بلدیت کار نداشته باشد چگونه پیدا میکنند اشخاصی را که بلدیت داشته باشند یا اینکه اگر احتمال برود که شرکاء از میان خودشان نتوانند کسانی را انتخاب کنند آنوقت چه باید کرد پس این جا باید تفکیک کرد که اگر آن مدیرانی باشند که برای امضاء انتخاب میشوند باید معین کرد که از شرکاء مسئول باشند بنده حرفی ندارم ولی اگر آن مدیری است که باید کار را اداره بکند بنده مخالف هستم باینکه قید شود که حتماً باید از بین شرکاء مسئول انتخاب شود

افتخار الواعظین - مراد از مدیری که میفرمائید آن هیئت رئیسه که باید امضاء بکنند سهام را از طرف شرکت که میفرمائید باید مسئول باشند نیست مراد آن مدیرانی هستند که برای شرکت معامله میکنند و در عمل تجارت هستند (بعضی گفتند اینطور نیست)

بند، خواهش میکنم که بر بنده ایراد نکنند به آنکسی ایراد بکنند که این توضیح را داده است

مراد از مدیر آنکسی است که طرف معامله واقع میشود و او بحکم قانون قانون باید از شرکاء مسئول باشد اگر علم تجارت را نمیدانست میورد تجاری را استخدام میکند

رئیس - چون مدتی از شب گذشته است خوب است ما قی را محول کنیم بجلسه دیگر کمیسیون داخله بنا بود راجع بمنع احتکار رایبورت بنده که برای بعد از ظهر جزء دستور شود

دستور فردا رایبورت کمیسیون داخله راجع به منع احتکار رایبورت کمیسیون محاسبات راجع به تفریح بودجه مجلس مذاکرات راجع به تمدید مجلس رایبورت کمیسیون بودجه راجع بحسام همایون اگر وقت شد بقیه قانون شرکتهای تجارتی

(مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۴۴۴

صورت مشروح روز دو شنبه ۲۱ شهری ذیقعدة الحرام ۱۳۲۹

رئیس - آقای مونتین الملک سه ساعت قبل از غروب آفتاب بصندلی ریاست جلوس نموده پس از دقیقه مجلس تشکیل شد

صورت مجلس روز یکشنبه (۲۰) را آقای میرزا رضا خان نائینی قرائت نمودند

غائبین جلسه قبل - بدون اجازه - آقایان میرزا ابراهیم خان - معتمدالتجار - طباطبائی - غائب با اجازه - آقای

دکتر لقمان مریش آقا سید محمد باقر ادیب - آقایانیکه از وقت مقرر حاضر نبوده اند دکتر

امیر خان یکساعت و ۳۵ دقیقه - آقا میرزا ابراهیم قمی یکساعت و نیم - آقای معزز الملک ۴۵ دقیقه - حاج وکیل الرعایا ۴۰ دقیقه

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست **آقا میرزا احمد** - قسمت راجع بتشکیل کمیسیون پنجفتری را دوباره بخوانند مجدداً يك قسمت از صورت مجلس راجع به مخالفت آقای ادیب التجار در خصوص تشکیل کمیسیون پنجفتری قرائت شد

آقا میرزا احمد - بواسطه مخالفت (را) پس از مخالفت بنویسند

رئیس - صحیح است پس از مخالفت نوشته می شود

محمد هاشم میرزا - در صورت مجلس نوشته شده است که به پیشنهاد آقای حاج عزالممالک و پیشنهاد بنده رأی گرفته شد پیشنهاد بنده رد شد و حال اینکه در پیشنهاد بنده رأی گرفته نشد

رئیس - نوشته نشده است که رد شد

افتخار الواعظین - بنده دیشب وقتی که دیدم در باب ماده قانونی شرکتهای پیشنهاد زیاد است عرض کردم بنده رأی گرفته شود چون با آن توضیحاتی که بنده و سایرین دادند با مخالفت میشد و يك کلمه معامله هم اضافه کردم و آقای رئیس فرمودند که ماده اول بماند بعضی تغییراتی اگر لازم است داده شود و بعد باید بجلسه رأی گرفته شود

و حالا می بینم که از صورت مجلس طوری نوشته

است که اینطور مہمانانہ کہ بنده تقاضا سکرم ماده اول حذف شود ماده دوم بجای مادھاؤل گذاشته شود .
رئیس - آنچه خود شما گفتید کہ مخیر کمسیون بودید همان صحیح است .
ادیب التبحار - بنده امروز این مخالفت نکردم و معاونت فکری با آقای رئیس الواء نشود در تشکیل کابینہ منکر این شدم کہ کمسیون پنج - نفری تشکیل شود ولیکن مدعی شدم باینکہ کم فکری لازم است ولی خوب است حضرت مستطاب رئیس کمکت در تشکیل کابینہ بایشان بفرمایند و اینجا دور دیگر نوشته شده است .

رئیس - اینجا ہم ہمینطور نوشته شده است کہ با تشکیل کمسیون مخالف بودید چیز دیگری نوشته نشده است .
حاج آقا - بنده در اول عریض خودم عرض کردم کہ مخالف با امتداد مجلس نیستم و اگر چنانچہ اکثریت رأی داد کہ امتداد پیدا بکنند در آنصورت تا مجلس باقی باشد ولی نہ بعنوان قانون گذاری فقط باید در اجرائیات نظارت بکنند ولی نہ باین طور کہ قانون بگذارند خوب است در ضمن نطق بنده اینهم نوشته شود .

رئیس - ہمینطور اصلاح میشود دیگر در صورت مجلس ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد) .
 صورت مجلس باین اصلاحات تصویب شد - در باب امتداد مدت مجلس همانطوریکہ بنا شده بود این مطلب رجوع شد بکمسیون تغییر و معارف راپورتنی داده اند کہ طبع و توزیع شده است و راپورت منع احتکار چون طبع و توزیع نشده است بواسطہ کمسیون - هائیکہ تشکیل شده بود کمسیون داخلہ تشکیل شد و نتوانستند راپورت بدهند باینجہ راپورت راجعہ بامتداد مجلس را مقدم میداریم (گفتند صحیح است) (راپورت کمسیون معارف و تفسیر و عبارت ذیل قرائت شد) کمسیون تفسیر و کمسیون معارف روز دو شنبہ ۲۱ شهر ذی قعدہ متفقاً مسئلہ امتداد مجلس شورای ملی را مطرح مذاکرہ قرار دادہ پس از مشاورہ طولانی کہ مادہ دہلرا بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید .

مادہ اول - بنا بر اینکه از طرف ملت در پایتخت و نقاط مہمہ دیگر تقاضای عدیدہ تلگرافی و کتبی برای امتداد مدت مجلس شورای ملی رسیدہ و تقاضای خود را مبتنی بر این دلایل نموده و اقدامات مرتجعین و دشمنان استقلال مملکت و اساس مشروطیت هنوز کاملاً مرتفع نشده و مختل است کہ در بہر آئینہ نیز مشکلاتی برای دولت و مملکت پیش آید و تہیہ جلو گیری از مشکلات مزبورہ منتہای ضرورت و فوریت را دارد و ممکن است انتخاب نمایندگان جدید بتعویق افتد و در این ایام مسافرت ہم برای دولت مشکلاتی ظهور کند بملاحظہ اینکه مجلس شورای ملی ہم این احساس را کرده و آن اظهارات را تصدیق دارد علیہذا تا موقعی کہ مجلس آئینہ تشکیل قانونی یافته و نصف مملوہ یک از کلیہ نمایندگان ملت در پایتخت حاضر شوند مجلس شورای ملی کماکان امتدادی یابد .

مادہ ۲ - برای آنکہ حتی الامکان امتداد مجلس حالیہ بطول باینجامد از طرف ریاست مجلس شورای ملی و ہیئت وزراء بموم انجمنہای ایالتی و ولایتی و

حکام و سایر مقامات لازمہ مراتب فوق اطلاع دادہ شدہ و در تسریع انتخابات جدیدہ و اعزام نمایندگان ہر محل تاکید خواهد شد .

رئیس - آقای حاج امام جمعہ در مادہ اول مخالف ہستید بفرمائید .

حاج امام جمعہ - در این مسئلہ دیروز و برروز مذاکرات مختلف شد آقایان نمایندگان اگر یک مختصر مساعدتی بفرمایند شاید این مسئلہ بیک جای خوبی منتهی شود کما آن میکنم کہ هیچکس اختلافی در این نداشته باشد کہ مقتضای احوالات امروزی و حالت حالیہ مملکت بودن مجلس خیلی لازم و خیلی مفید است و جمعی از نمایندگان کہ دیروز و برروز مخالف می کردند تصور نمیکنم مخالفت آنها راجع باینجہ باشد بنده ہم تصدیق دارم کہ بودن مجلس امروز لازم است لیکن این مسئلہ بنده دو اشکال دارد اگر آن دو اشکال بنده زرفع بکنند من ہم یکی از موافقین ہستم و موافقت خواہم کرد یکی از آن دو اشکال بنده اینست کہ بنده این رأی را مخالف با قانون اساسی میدانم و اعتقاد اینست کہ مجلس نمیتواند این رأی را بدهد و این را باید فی الجملہ توضیح و تشریح بکنند در دو سال قبل کہ نظامنامہ انتخابات را مینوشتند بنده ہم بودہم و چون مکرر در این مسئلہ مذاکرہ شدہ است میخوام این مسئلہ را درست بشما توضیح بدهم در موقع نوشتن آن نظامنامہ محتاج شد کمسیون کہ چهار مادہ از اصل قانون اساسی را نسخ بکنند چون حق نسخ نداشت ولایات و ایالات تلکرات کردند آنها ہم رجوع کردند این مسئلہ را بانجمن ایالتی آذربایجان انجمن ایالتی آذربایجان این چهار مادہ را نسخ کرد معنی نسخ مادہ را البتہ آقایان نمایندگان میدانند یعنی ہر یکی از آنها آن مدلی کہ درش بود یک مطلبی برضد او در نظامنامہ انتخابات نوشته شد مثلاً یکی از آنمواد این بود کہ نمایندگان طهران ۶۰ نفر است در نظامنامہ انتخابات نوشته شد ۱۵ نفری پس این مادہ نسخ شد یکی از آنمواد این بود کہ ہر وقت نمایندگان طهران منتخب و حاضر باشند مجلس میتواند منعقد بشود این مادہ ہم نسخ شد و نوشته شد کہ بحضور نصف مملوہ یک از کلیہ نمایندگان مجلس افتتاح میشود یکی دیگر ہم این بود کہ ابتدای مجلس از روزی است کہ تمام نمایندگان مجلس حاضر بشوند این مادہ ہم نسخ شد و نوشته شد ابتداء دورہ از روزی است کہ مجلس افتتاح میشود دیگر مادہ دیگری نسخ نشد آنچہار مادہ عبارت است از مادہ ۴ - ۶ و ۷ و ۸ این چهار مادہ از قانون اساسی نقض شدہ است ولیکن مادہ ۵ صریحاً میگوید کہ مدت و کالت نمایندگان دو سال است این ابتدا نسخ شدہ است و دلیل اینستکہ نسخ شدہ است دو چیز است اگر کہ نسخ شدہ است دلیل نمیخواہد نسخ دلیل نمیخواہد با وجود این بنده دلیل این را عرض میکنم اولاً مقدمہ همان نظامنامہ را ملاحظہ بفرمائید کہ نوشته شدہ است چهار مادہ از قانون اساسی تغییر دادہ شدہ است باینچہ مادہ خواہش میکنم کہ ہر کس میخواہد ادلہ بندہ را رد بکنند ہمین قسم بطور علنی رد کند حالا اگر میگویند کہ آن مادہ ہم نسخ شدہ است اینطور نیست آن مادہ نسخ شدہ است

و عدیدہ بندہ این است کہ این مجلس ہم نمیتواند یکمادہ از قانون اساسی را نسخ کند چون نمیتواند نسخ بکند امتداد مجلس دادن مانہ تجدید انتخاب و کبیل است یا امتداد موقع و کالت است اینستکہ نمیشود این یت اشکال بنده است و اشکال دومی کہ دارم این است کہ بفرض مجلس آمدہ بشم چو رأیی دادہ بہ بنیم این رأی مفید است یا خیر بنظر بنده رأی مفید نیست چرا مفید نیست بسوجہت اولاً اختیار نمایندگان بدست ملت است و آتقدریکہ بشما اختیار دادہ اند مینوانید اختیار باشید اینجا بنشینید و بیس از آنکہ ملت اختیار دادہ است نمیتوانید بنشینید بچہت اینستکہ اختیار ما در دست خودمان نیست در دست ملت است اختیارات و کبیل در حدودی است کہ موکل او قرار دادہ است آیا موکلین شما این اختیارات بشما دادہ اند کہ بعد از گذشتن و قبول آن شما خودتان را انتخاب کنید . (گفتند بلہ بموجب تلگرافاتی کہ رسیدہ است) عجلہ لازم است بنده کہ حالا حرفم را تمام میکنم شما بیایید عریض بنده را رد بکنید اگر چہ بنده اول حس کردم کہ اکثریت مجلس امتداد مجلس را میبایست - حالا میرسم از آقایان نمایندگان آیا پیش از آنکہ ما انتخاب شویم بیاییم بہ مجلس این اختیار را داشتیم کہ ہمہ چیز ملت حکم بکنیم یا نداشتیم معلوم است کہ نداشتیم و این اختیار را آنها ما دادہ اند حالا بہ بنیم آنها بہ چہ قسم اختیار دادہ اند همانطور باید رفتار بکنید و همانطور کہ ملت بشما اختیار ندادہ است کہ در قانون اساسی تجدید نظر بکنید یا یک اصلی از آنرا تغییر بدهید و نسخ بکنید همانطور ہم اختیار ندادہ است کہ مدت و کالت خودتان را امتداد بدهید خودمان را منتخب کنید این اولاً تانیاً اگر میفرمائید چنانچہ دیروز در اینجا گفته میشد کہ ما خودمان را انتخاب نمیکنیم ملت ما را انتخاب میکنند اینجا از وجدان شما میرسم اگر چنانچہ ہمین تلگرافها را کہ از ولایات بارسیدہ است در حق یک ہفتاد نفری غیر از ما میرسد آیا ما میتوانستیم آنها را بیاریم اینجا بشناسیم و نمایندہ ملت بشناسیم یا نمیتوانستیم (اظهار شد نمیتوانستیم) پس معلوم است کہ ہمیشہ بچہت این مجلس رسمی دارالشورای ملی است و بعد از آن ہم در خارج ہستند بکنیم و با آنها تفاوتی نخواہیم داشت پس بنده مخالفم ولی اینطور کہ مخالفم کہ این مجلس رسمی دارالشورای ملی است و بعد از پس بدست از پس فردا کہ آخر انتخابات شما است ما و آنها کہ در خارج ہستند یک ثم و با آنها تفاوتی نخواہیم داشت پس بنده مخالفم ولی اینطور مخالفم کہ این مجلس را بخواید امتداد بدهید امتداد قانونی کہ مجلس پس فردا ہم مثل مجلس امروزی باشد بنده این تصور نمیتوانم بکنم دیگر آنکہ واقفاً اگر کسی رفع اشکال مرا بکند من خیلی مایلہم کہ این مجلس باشد بواسطہ اینکه درست است امروزہ خیلی اشکالات در پیش است اما این دو تا اشکال در نظر بنده هست و خیلی ہم قوت دار باوجود این اگر این مجلس امروز منفصل شود اینہم معایب دارد بی شک آنچه بنظر بنده میرسد اینست کہ امروز باید این مجلس باشد ولی بعنوان مجلس مشاورہ نہ بتوان قانون گذاری باشد ہفتہ بکہترہ باید بنشینند مشاورہ بکنند و نظر باشند

در تسریع امر انتخابات و تأکید بکنندگان و کلاه زودتر حاضر شوند و یکی هم ناظر احوال وزراء باشد والا بنده نمیتوانم که بعنوان قانون گذاری تصویب کنم مجلس باقی باشد .

ذکاء الملک مخیر کمیسیون - اولاً در خصوص مخالفت این باقانون اساسی که فرمودند اینستله هم سابقاً درمجلس درموقع قانون انتخابات هم مذاکره شد ولی مجلس دراین باب رأی قطعی نداد یعنی آنوقت که صحبت در این بود که دوره تقنینیه را از دوسال به سه سال قرار بدهیم بعضی از آقایان اینطور اظهار داشتند که این مسئله مخالف باقانون اساسی است و بعضیها هم مخالف نمیدانستند وادله هم اظهار شد و مقصودم این است که این یک سابقه هم دارد درمجلس ورأی قضای داده شد که این مخالف باقانون اساسی است و من میتوانم بگویم که میتوان اینرا مخالف باقانون اساسی ندانست و اینکه فرمودند چهار اصل بیشتر از قانون اساسی منسوخ شده است ولی آن اصل (۵۰) را که فرمودند در آن تصریح شده است که مدت دوره تقنینیه دوسال است مقصود از این اصل یعنی دوره تقنینیه نبوده است بلکه میخواهد برساند که دریک دوره تقنینیه رئیس دولت بیشتر از یکمرتبه حق ندارد مجلس را منصف نماید مثل این است که دوره انتخابات را خواسته اند که توضیح میکنند که چقدر است و چون درماده دیگری تعیین شده بود دو سال اینجا هم دوسال را معین کرده است نه اینکه مقصودش این بوده است که بگوید دوره تقنینیه دوسال است یعنی درآن دوره انتخاباتی که دراصل دیگر گتیم دو سال است مجلس یکمرتبه بیشتر منصف نمیشود ولیکن وقتی که بناشد آن منسوخ باشد اینهم منسوخ است یعنی این لفظ دوسال که تابع او است منسوخ است این اصل (۵۰) منسوخ نیست چرا که میگویند در دوره انتخاباتی رئیس دولت یکمرتبه بیشتر حق انفصال مجلس را ندارد این اصل بجای خودش هست اما اینکه این توضیحی که از دوره انتخاباتی کرده است میتوانم بگویم که چون آن اصل منسوخ است تابع هم که ناشی از او هست منسوخ است و اما اینکه فرمودند ما این اختیار را نداریم که دوسال خودمان را انتخاب کنیم بنده عرض میکنم ما خودمان را انتخاب نمیکنیم و تصدیق میکنم که اگر ما اینجا دوسال را انتخاب میکردیم حق نداشتیم بلکه همانطوریکه خودشان هم تصدیق فرمودند که اگر دراین موقع مجلس منصف شود و یک ایام فترتی حاصل شود بین این مجلس و مجلس آتی ملت تولید مفاسدی خواهد شد برای همین مقاصد امتداد مجلس را تقاضا کرده اند و ما هم تقاضای آنها را قبول میکنیم و تصویب میکنیم نمیگویم که ما تائب و کبیل هستیم برای یک دوره انتخاباتی و ما خودمان را انتخاب میکنیم میگویم باید انتخاب جدید شود و وکلای ملت باید تائباً انتخاب شود تقاضا میکنیم از دولت که سرعت در انتخابات دوره جدید هم بکنند و تنها میکنیم که هرچه زودتر اقدامات بکنند برای انتخابات دوره جدید تا نصف بملاده یک یعنی اکثریت نمایندگان جدید حاضر شوند و مجلس آتی افتتاح بشود علاوه براین مملکت را هم خالی از مجلس و ملت را بدون نماینده نباید گذاشت بعلم اینکه در قانون اساسی

هم مصرح و واضح است که نباید ملت بی نماینده باشد و نماینده باید داشته باشد حالا آن نمایندگان ممکن است وقتی تعطیل کنند بختیار خودشان آن یک امری است علیحده ولیکن حالا ملت را بی نماینده نمیشود گذاشت ملت حتی الامکان باید نماینده داشته باشد ولی نماینده نباید حالا همچو پیش آمده است که میگویند ملت نمیتواند که یک مدتی بی نماینده باشد و بدون مجلس شورای ملی پس این را بترتیبی که مردم اظهار کرده اند برای جلوگیری از مفاسد و ازوم ضرورت است و بنا برخواست خود ملت است امتداد مجلس و ما خودمان را انتخاب نمیکنیم پس باعتماد بنده اینجا آن شکلی که آقای حاج امام جمعه فرمودند ما آن رأی را نمیدهیم که اختیار اختیار نداشته باشیم بلکه تقاضای یک جمعی از ملت را تصویب میکنیم اما در مسئله اینکه فرمودند تصدیق میکنم که امروز مجلس باشد و رفتن مجلس امروز خیلی مضر است و خطرات دارد ولی باید یک مجلس مشاوره باشد عرض میکنم که این فرمایش آقای حاج امام جمعه نقض عرض ما را میکند و باید دانست که غرضمان چیست که این رأی را میدهیم غرضمان نه اینست که ما فقط اینجا باشیم بلکه مقصود ما از این امتداد اینست که آنفولانسی که از وجود مجلس شورای ملی در مملکت حاصل میشود از آن حاصل بشود و الا اگر بنا باشد که ما بیاییم و آن نتایج و وظایف مجلس شورای ملی را نداشته باشیم چه حاصل دارد مانند ما میرویم که بهتر است در صورتی مانند ما مفید است که آن نمره که بوجود ما مرتب بود آن نمره را بازم بدهیم و الا رفتنمان بهتر است .

آقا سید حسن مدرس - آنچه باید عرض میکنم که دیروز عرض کردم لکن امروز مختصرش را عرض میکنم که عمده نظر یاب صلاح مملکت و مصالحی است که مرتب بر بقای مجلس است هرچه مکرر اینجا صحبت میشود فقط عمده نظر در اصلاح مملکت است که ببینم بر بقای مصالحی مرتب است یا نیست اگر واقفاً بر بقای مصالحی مرتب است بدون اینکه مفاسدی مرتب باشد دیگر مقتضای قانون اساسی یا مقتضای قانون اساسی نیست بنده این را نمیفهمم حالا معلوم است که مصالحی بر بقای مجلس هست و اما در معرض اینهم هست که یک جهانی مرتب بود که آنجهات

آقای مدرس - خیر مطلب را مکرر عرض نمیکنم هرچه تکرار عرض کردم بفرمائید تکرار است و اگر امروز این جمعیت را نداریم دیگر محلی برایش نیست که عرض کنم عرض میکنم اجمالاً شیه نیست که مصالح بر بقای مجلس مرتب هست و اما در معرض اینهم هست که بعضی احتمالات داده شود که وقوع آن ما مزاحم با مصالح مقرر باشد مثلاً اگر خدا نخواست از یک نقطه یا دونه تله تلگرافاً یا کتباً مغایره شد که شباهی قانون نشسته اید این و این معارضه با مصالح بسیار بزرگ میکنند توهین بااساس میشود و هیچ مصالحی با آن مقابله نمیکند پس اگر میتوانست قسمی بشود که از سایر نقاط هم یک اظهار مساعدتی بشود که احتمال این حضار نرود خیلی بهتر

است و یک مصالحی در ایفاء خواهد بود بدون مضار والا راهی نداریم برای این و برای رفع این مفاسد و اگر یک جماعتی اظهار بدارند که مقابل این مجلس صحیح نیست این و هن جلوگیری از تمام مصلحتها که در جلو ما و آقایان است خواهد کرد پس خوب است یک طوری بشود که اینصطالی هم که ما میبینیم سایر نقاط هم اعلام کنیم و یک مقدار مساعدتی می بشود از جانب دولت یا از جانب دیگران که از سایر نقاط هم اینصطالی را که ما می بینیم با آنها هم اعلام کنند که اینصطال هست که آنها هم ملتفت باشند که بقای مجلس بواسطه مصالحی است که باید باشد که خدای نخواستہ متعاقب بپذیریکه موجب این و هن اساسی مشروطیت میشود نشود .

قا سید محمد رضای همدانی - عرض کنم اولاً جواب جناب آقا را عرض کنم که میفرمایند که از سایر نقاط هم تکلیف بخواهید اگر یک جمعی تلگراف کنند که چرا اینجا نشسته اید درمجلس سیاست جمعی از حدود استرآباد یا کرمانشاه یا جای دیگر مجبوراً تلگراف میکنند که ما اصلاً مشروطه را نمیخواهیم پس ما باید درمجلسمان را به بندهم چه خبر است که از کردستان تلگراف آمده است که ما مشروطه نمیخواهیم این جواب آقای مدرس و تمام مذاکراتیکه میشود و مذاکراتی که دیروز و پرروز در مجلس شده است تماش محفل بدو چیز است دیگر هرچه صحبت شود تماش شاخ و برگ است و یک مسئله عریض نیست اینست که میگویند امتداد مجلس خلاف قانون است اینرا همه کس می داند حتی جاهل هم میدانند که یک مدت یعنی شما وکیل بودید حالا حق ندارید باشید این یک مسئله عریض مشکلی و از مثل افلاطونی نیست که نفهمم یک مسئله آشکاری است و همه میدانیم و آن اشخاص هم که میگویند بمجلس باید منته باشد این مسئله را یقیناً فهمیده اند که دیگر حق ندارند و اگر بخواهند بمانند خلاف قانون است ولی درد ما اینست که این مسئله مسلم است نزد جیب عقلای عالم که یک خانه کوچک و یک خانه بزرگ اداره آموزش نمیشود مگر یک مرجع خوف و رجاء دستگاه خدا هم همینطور است تا خوف و رجاء نباشد هیچ خانواده و مملکتی اداره نمیشود در وقت سال قبل در این مملکت مردم یک عقیده داشتند که پادشاه ظلاله است هرچه بخواهد میشود همینقدر اداره سینه اش قرار بگیرد که جمعی هلاک شوند میشود یا آنکه هرچه ارادش تعلق بگیرد باید همان بشود ولی از پنجمال قبل تا حال ما هرچه توانستیم این عقیده را از مردم یعنی از افغانان خارج کردیم که سلطان باشما تقاضای ندارد مثل شما است تا آنکه مردم را جرئت دادیم و سلطان را خلع کردند و بساط استبداد را برچیدند بساط عدل و داد و مشروطیت بیا شد فرض اینست که از شخص سلطان آن توهمت گرفته شد و بعد هم مشروطه شد مل سایر ممالک نظماًهائیکه سلاطین مشروطیت در پارتالان خودشان کردند و الا حضرت هم فرمودند که من نمیتوانم از جزئیات و کلیات مطالب مستقیماً بکلیه امور مداخله کنیم و اختیاری ندارم پس آن اهت و آن سلطوت و آن خوف و رجائیکه باید از هبت سلطنت باشد بعد از آن مرجع خوف و رجائیت دولت است هبت دولت هم بواسطه کثرت

از روزیکه در روزنامهجات نسبت با آنها که نوشته شد امروز دیگر آن اهبت را ندارد پس چیزیکه الان در مملکت يك اهبتی دارد مجلس شورای ملی است که يك عظمت شان و يك اهبت فوق العاده دارد در نظر کلیه اهل این مملکت چه بنظر عقلا شان چه بنظر جهالشان هیچ فرق نمیکند اینجا مرجع خوف و رجای خودشان را مجلس میدانند این شبه ندارد پس اگر آدمیم مجلس را منحل کردیم دیگر مرجع خوف و رجای مردم کیست مردم چه دارند اگر بگویند هیئت دولت هیئت دولت بطوری گرفتار است که نمیتواند برسد و کار مملکت یکسختوری است که هیئت دولت نمیتواند یک یا زده روزی مملکت را امن بکند و شما که عقیده بانفصال دارید یک چیزیکه محل خوف و رجای مردم است بین نشان بندهم آن وقت منتهم بگویم که مجلس نباشد پس وقتیکه يك محل خوف و رجائی برای مردم نباشد و محل خوف و رجاء یا توهم است یا واقعی است واقفاً هم همین است باید مجلس محل خوف و رجاء باشد و جمله هم صحیح فهمیده اند باید محل خوف و رجاء مجلس باشد من میگویم اینست که شما حمله میکنید میخواهد مشروطیت شما را از دست شما بگیرد و الان چهار ماه است که باقوای مادی و معنوی دارد باشما نزاع میکند باشما جنک میکند باشما اشکال مختلف برای شما اشکالاتی فراهم میآورند آیا همانکس نمیتواند درموقع انتخابات اسبابی فراهم می آوردن آیا همانکس نمیتواند در موقع انتخابات اسبابی فراهم بیاورد از نقاط که انتخابات بتأخیر بیفتد امروز و فردا همان اشخاصیکه با شما نزاع میکنند در بعضی جاها اسبابی فراهم میآورند که انتخابات بتعویق خواهد افتاد و یک دسبه و خدعه میکنند که دیرتر انتخابات بعمل بیاید پس افلا ما میتوانیم باین امتداد وسیله را از دست آنها بگیریم و با آنها بگوئیم که تو میر و بسوز ما مجلس مشروطه را داریم و کسانرا داریم که فقط حفظ حقوق ملت را بکنند پس ما باینجهت باید صورت مجلس را حفظ کنیم و باینجهت باید مجلس را داشته باشیم و کسی نتواند يك سخته وارد کند این دلیل اول من است و آن قسمتی هم راجع بقانون اساسی است عرض کردم آنکس که میگوید باید مجلس امتداد یابد برای ضرورت میگوید اینهم مسئله عریض نیست از مثل افلاطونی که نیست ضرورت است شما چرا حکومت نظامی دارید ضرورت مملکت اقتضای کرد و در صورتیکه قانوناً نباید درمجا کم قضائی محاکمه و استنطاق شما همین محاکمه را آوردید سیردید بهیئت دولت ویزونده مامسملین را بدست اهل حزب بجهت اینکه گفتید ضرورت اقتضای میکند که ما آنجا که قانونی را از آنجا برداریم بسیاری بدست یکدسته از اهل حزب در صورتیکه اینکار را در مملکت قانونی ما حق نداشتیم بکنیم ولی بحکم ضرورت این کار را کردیم برای تبعه ماسلمین گفتیم که اگر جمعی بدون جهت هم کشته شدند بشوند برای حفظ سی کرور مسلمان دیگر و حفظ حقوق آنها و حفظ دماء آنها اینکار را کردیم پس مسلم شد که حکم ضرورت اقتضای کرده است و هیچ خلاف قانون هم نیست که ما کرده باشیم هم اشخاصی که شمارا فرستاده اند آن جا همان اشخاص در موقع ضرورت هر چیزی که اسباب حفظ شان باشد

بشما اختیار داده اند که بکنید همان اشخاص که اختیار دماء خودشان را بشما داده اند الان هم اختیار میدهند که تا دوره جدید یعنی نصف بملاده يك از نمایندگان دوره جدید که حاضر شدند حفظ حقوق ایشان را ننمایند حفظ دماء آنها را بکنید دیگر آنکه ما اینجا نشسته ایم که حفظ قانون اساسی بکنیم ما نمیخواهیم برای شهوت نفسی خودمان اینجا نشستیم دلیل خودمان استمداد بدیهیم مجلس را مامحض حفظ تمام قانون اساسی می خواهیم ما اینجا جنوس بکنیم برای حفظ تمام مواد قانون اساسی نشستن ما در این جا برای همین است بر فرض ما از تمام قانون اساسی يك مواد او را نقض بکنیم بسیار خوب است نقض بشود برای اینکه نقض بکند ما برای حفظ تمام مواد قانونی است و حال آنکه نقض نمیشود اینهم يك مسئله اما آدمیم سراین مسئله که میگویند اینمقتار تلگرافات کفایت نمی کند بنده میگویم اگر این تلگرافات کفایت نمیکند پس بچه جهت تمام این مملکت اختیار خودشان را سیر دهند بانجمن ایسانی آذربایجان چرا بجهت اینکه غلب مملکت ما گرفتار بود بچه قاصه سیر دهند برای اینکه نظر تمام اهالی مملکت تا آذربایجان بوده است و تمام مملکت اختیار خودشان را واگذار کردند بدو ازده نقره اعضای انجمن بود بچه قاصه سیر دهند برای اینکه نظر تمام اهالی مملکت تا آذربایجان بوده است و تمام مملکت اختیار خودشان را واگذار کردند بدو ازده نقره اعضای انجمن ولایتی آذربایجان برای چه اینکار را کرده اند برای اینکه اوضاع مملکت اقتضای کرد و حالا هم در این مسئله امتداد فقط از آذربایجان تنها تلگراف نشده است از انجمن خراسان از انجمن کیلان و جاهای دیگر مثل قم و قزوین و سمنان و سبزوار فقط از جانی که تلگراف نیامده است بمجلس شورای ملی از شیراز است اینستله راهم نگفته نگذاشته باشم که آن اشخاصیکه تلگراف کرده اند البته وجدان دارند من می بینم که اگر مجلس نباشد خطراتی باین مملکت روی میآورد که همه آقایان بهتر از من میدانند آدمیم سر مسئله که مخالفت قانون است این مسلم است که هیچ قانون آسمانی و زمینی در مقابل ضرورت مقاومت نمیکند ضرورت حا کم است بر جمیع قوانین آسمانی و زمینی مثلاً شرب خمر در مذهب اسلام حرام است اما يك وقتی همین حرام را شرع تجویز میکند مثلاً بنده لقمه در کویر مانده است و آبی نیست که بخورم آن لقمه را پائین ببرد ظرف شرابی هم هست من بحکم ضرورت ناچارم که آن شراب را بخورم که رفع کلو کردن مرا بکند اما اینکه میفرمایند بعضی جاها تلگرافات نکرده اند البته استرآباد نمی تواند تلگراف بکند اگر استرآباد یا جاهای دیگر می توانستند تلگراف میکردند ما چرا این حرفها را میزنیم که خودمان اطلاع داریم از بعضی جاهای مملکت جهت او همین گرفتاری آنها است که ما میخواهیم مجلس را امتداد بدهیم که رفع گرفتاری آنها را بکنیم و دیگر آنکه میگویند ما باید فرد اینمجلس را بگذاریم بروم این يك مسئله راهم من از وجدان آن اشخاصی که منکرند سؤال میکنم که اگر جمعی از مردم شمارا بخانه خودشان مستحفظ کرده باشند که شما مستحفظ خانه ما باشید و آن اشخاص که مستحفظ گذاشته اند هم آن مستحفظین حس کرده اند که يك خطری بان خانه خواهد رسید یعنی يك جماعتی دزد در کبین این خانه هستند که میخواهند این خانه را

آتش بزنند و آنکس که مستحفظ گذاشته است آنها میگوید که شما تاصبح خانه مرا محافظت کنید تا این دسته دیگری بیایند و آنکس که مستحفظ گذاشته است مطمئن است که مستحفظ گذاشته است مربوط بی کارش و اشخاص که مستحفظ آنها هستند می بینند که خطرات بزرگی برای این خانه در پیش است و آن مدتی هم که باید محافظت کنند محافظت کرده اند و حالا نوبت مستحفظین است که بیاید بیایند ولی چون میبینید که اگر بگذارند بروند این خانه را دزدها آتش بزنند و تا آمدن آنها خطرات برای اینخانه هست و اول ضوع صبح که میشود میبینید که آن دزد پهلوی خانه نشسته است معذالك صبح میگذارند میروند و خانه را دزد ها هر کاری که میخواهند بکنند صاحب خانه میگوید چرا رفتید شما میخواستید باشید و شما دیدید بان جهتی که من شما را گذاشته ام در همان وقتی که خطر متوجه شده است گذاشته رفته اید آن وقت آنها چه خواهند گفت میگویند تا آن وقتی که گفتید باید باشید ما بودیم گفتیم شاید شما بدانن بیشتر از آن مدت را تمهید یا شاید شما راضی نباشید باینجهت ما رفتیم آیا این را میباشوند که تو که از سرش تا صبح حقوق گرفتاری پس حالا که اول حفظ و نگاهداری تو بود گذاشتی رفتی اینست جواب عقلانی او میگوید که تو واقفاً حس کردی که دزد خواهد آمد ولی باز میگوئی که من رفتم و تا حال این که تو اذن ندی یا راضی نباشی بیش از این بمانم من رفتم آیا این جواب عقلانی است پس یکی از جهانی که مقنن منفعت بوده است اینست که باید مجلس متصل بهم باشد مطلب ما اینست که مقنن همه اطراف این واقعات را بنظر آورده که گفته است ۳ ماه قبل از انفصال اعلان انتخاب جدید را بشایند این ۳ ماه را برای چه معین کرده اند برای این که مجلس بهم وصل باشد پس يك درد بی درمانی که برای ما است اینست که مدت بدون مجلس نباشد و رئیس که گفته است ۳ ماه پیش از انفصال مجلس غرضش همین بود داشت خوبی خوب اگر بعد از ۳ ماه اگر يك خاک سری پس مملکت شد مسئول او کیست پس این ترتیبی که گفته اند قبل از انفصال مجلس باید انتخاب بکنند و باصلاح فقها که میگویند لا تنقض الیقین بالثب مراد شك را شارع میگویند رسیت یقین برش شده است یعنی آنچه آگاهی که شك داری مثل آنچه آگاهی که یقین داری عمل نکن و اینجا هم همین جور شده است پس آن ۳ ماه را ما نتوانستیم درک کنیم پس این ۳ ماه را قراردادیم اما جواب احساسات ملت که دیروز آقای حاج آقا فرمودند که باید تمام ملت احساسات خودشان را پیش نهاد مجلس نماینده اما اغلب ملت بیچاره گرفتار است و اگر این مقام شایسته شوخی بود بجناب حاج آقا عرض می کردم که همان تلگرافاتی است که به بعضی از نمایندگان از تبریز شده بود یکی دیگر آنکه گفتند که يك هیئت دولتی بگذاریم که کار بکنند بنده عرض میکنم که هیئت دولتی که مطمئن باشم حالیه داریم و همان هیئتی است که شما هستم اطمنان داریم من عقیده ام این است که برای همان هیئت امروز مجلس خیلی لازم است پس اینست

ما بهر دولتی که بیشتر اعتماد داشته باشیم و هر چند وزیر داشته باشیم که آن وزیر حرارتش زیادتر باشد برای مشروطه از برای آن شخصی بیشتر لازم است مجلس چرا بجهت اینکه شاه میداند اگر ما یک مملکتی را بخواهیم امنیت بدیم بعضی مطالب شبه ندارد این چیزهاست ما نمیتوانیم مخفی کنیم عرض میکنم که احتمال می رود در بهار آتیه خطرانی باز پیش آید و این را برسیب احتمال میگویم اگر چه من جمیع - الجهات بوزاری خودمان اطمینان داریم و در این ۶ ماه خیلی خطرات بزرگ را رفع کردند ولی ایندولت هم يك وسیله میخواید که آن مجلس است پس چیزی لازم است برای وزیر و زوار مجلس است که مجلس باید باشد که از آنها مساعت کند بسا هست که بگذارد بروم نهم مجلس آنها محتاج باشند که یک مساعت فکری بآنها شود باید باشیم که اگر پول بخواهند پول بدیم همان هیئت وزرائی که میفرمایند که باید اداره کنند همان وزراء پول میخوانند همان هیئت وزراء ما را لازم دارند .

افتخار الواعظ - اینجا حقیقت امر باید معلوم شود که کسانی که مخالف می کنند مخالف با چه هستند بنده قطع دارم و حس میکنم بلکه بچشم می بینم که از برای این مملکت لازم است که مجلس شورای ملی باشد و هیئت وزرائی که خواهند بود بعضی احتیاجاتی دارند که موافق قانون مشروطیت آن احتیاجات را نمیتوانند رفع بکنند مگر به بودن مجلس مثلا يك هیئت وزرائی که میخواهد کار بکند البته پول لازم دارد اسلحه میخواهد بعضی احتیاجات دارد بنده مجلس شورای ملی باشد که دولت پیشنهاد بکنند که اینقدر پول لازم دارد و مجلس تصویب بکند از برای اینکه دولت بتواند کاملا کار بکند ولی بنده در عین اینکه موافقم برای چه مخالفت میکنم فقط مخالفت بنده در يك کلمه است بنده عرض میکنم که هیئت دولت در این امر یا موافق است یا مخالف یعنی هیئت دولت هم با بودن مجلس شورای ملی را برای پیشرفت امور خودش احساس کرده است یا نکرده است موافق آنچه بزرگه آقای رئیس - الوزراء در جلسه گذشته بالصراحت اظهار داشتند و فرمودند مقدمه من اینست که مجلس شورای ملی باشد تا وقتی که نصف بهلاوه يك از نمایندگان جدید انتخاب شوند و کسانی که قائل به تعدیم هستند هیچکس توقف بوقتی نمیکند که تا کی باشد بفاصله چهل روز دیگر اگر انتخابات بعمل آمد و نصف بهلاوه يك از نمایندگان ملت در مرکز حاضر شوند بدیهی است که مجلس جدید منعقد و مفتوح خواهد شد و اگر چنانچه هیئت دولت موافقت چنانچه اظهار کردند بنده لازم میدانم خودشان بولایات اطلاع بدهند آقای رئیس الوزراء بفرمودت تکرار میکند که مطابق درخواستهایی که از طرف بعضی از طبقات ملت شده بود در باب تعدیم مجلس شورای ملی و هیئت دولت هم حس کرده بود برای رفع مشکلات بلکه از برای فراهم آوردن لوازم پیشرفت امور خودش که مجلس امتداد باید این بود که هیئت دولت هم لازم دانست این تقاضا را بکنند از برای اینکه فردا بدانند که بودن این مجلس با تقاضای ملت و دولت شده است برای اینکه اگر خدای نخواست به يك اتفاتی افتاد

نگویند که ملت آن عهد انقصال مجلس بود و بدانند که خودشان تقاضا کردند که از برای پیشرفت امور خودشان و خودشان مجلس را لازم میدانند این يك حبیب و يك علت دیگر اینست که بنده وجدانا اینجاست میگویم این تلگرافاتی که برای تعدیم مجلس رسید است اینها را کافی نمیدانم قطع دارم که اگر از طرف رئیس و هیئت دولت بولایات و بملت ایران اظهار شود که من قوه مجریه هستم برای پیشرفت امور و فراهم آوردن لوازم خود تقاضا کردم بعضی از افراد ملت ایران هم تقاضا کرده بودند شاهم تقاضا بکنند از نمایندگان خودتان که تا نمایندگان جدید حاضر نشدند آنها بمانند قبول خواهند کرد و در مقابل این تقاضا ابداً مخالفت نخواهند کرد و در برای مصالح امور خودشان تقاضا خواهند کرد آنوقت تمام داخله و خارج خواهد فهمید که من خودم اینجا نه نشسته ام بلکه به تقاضای ملت ایران و بلکه به تقاضای دولت ایران برای پیش رفت امور مملکت تقاضای آنها نشسته ام نه اینکه بیمل خودم اینجا نشسته ام که اگر فردا خواستند دشمنان آزادی در قلوب بعضی از کسانی که مطلع بر کیفیت امور نیستند افتاء بکنند همه بدانند که نمایندگان بر حسب عقیده و تصویب خودشان اینجا نه نشسته اند بلکه دولت و ملت ایران از آنها تقاضا کرده اند و بنده این مقدار تلگرافات را کافی نمیدانم **آقا شیخ ابراهیم** - بنده چندانی قادر بر نطق نیستم و مختصراً عرض میکنم و مختصر مطابقت عرض میکنم این مذاکراتی که مامنتب بودیم برای دو سال بدیهی است والا این تلگرافات لازم نبود و اینکه این انتخابات جدید است اینهم بدیهی است امریکه در دولت دیگر بودن میخوام بی رسم که هر گاه در خارج مجلس بوده مدتش تمام شده است بعد لازم شده است که آن مجلس را تعدیم بکنند و یک مدت امتداد پیدا بکنند یا اینکه در عالم يك همچو چیزی بوده است که مدت مجلس تمام شده باشد و انتخاب جدید هم نشود و همان مجلس را به ترتیبی تعدیم بکنند یا اینکه بکامر محالی است معلوم است آن تعدیم آنطور خواهد بود که ورقه و رأی مخفی بدهند بدیهی است که این ترتیب نخواهد بود مثلا ما حالا که ضرورت دارد و حس کرده ایم که این مجلس باید تعدیم پیدا بکند تا انتخابات جدید بعمل بیاید این آیا ممکن است که با ورقه و رأی مخفی باشد نه آیا این تلگرافات و این اظهاراتی که شده است کافی است یا نه بنده عرض میکنم بمقدمه خودم کافی است بجهت اینکه اکثر آن تقاضیه ملت بوده اند و میتوانند اظهار عقیده خودشان را بکنند کرده اند بعضی نمیتوانند شاید بعضی ما هم که میتوانند ملتت نه بوده اند و الا اظهار میکردند و عهد کسانی که تأسیس مشروطیت را کرده اند این تلگرافات و اظهارات از آنها شده است آذربایجان خراسان گیلان قزوین و قم و جاهای دیگر که اسامی آنها ذکر شد مگر بعضی نقاط که آنها درست ما نیست آنها نمیتوانند اظهار بکنند و الا اظهار میکردند حالا مقایسه بکنید آنها را که اظهار کرده اند با آنها را که اظهار کرده اند به بینند اکثریت دارند یا خیر اگر دارند که بسیار خوب دیگر اینقدر موافق و اینقدر دقایقی راییش آوردن دیگر نمایانم چه جهت دارد بملت اینکه ما کاری نخواهیم کرد همان مجلس است که تعدیم خواهد شد بر ضرورت مملکت و باید سعی

کنیم در انتخابات نمایندگان اگر ملت بگویند که شما چرا اینجا هستید بگویم شما نمایندگان خودتان را زودتر بر سر میزیم تسرع بکنید در انتخابات و کلا آنها که آمدند ما خواهیم رفت و برای دولت هم ضرورت دارد و ضرورتش برای او بیشتر خواهد بود فردا اعتباری میخواید فردا فرض میخواید فردا کار دیگر است بعقیده بنده همین تلگرافاتی که شده است کافی است و ضرورت هم هست دیگر ما زیاد برای این نخواهیم آیا این ضرورت دارد یا نه بعد از آنکه ضرورت دارد با ندارد آنرا راهم که بدست آمده دیگر مذاکرات لازم ندارم .

رئیس - بنده دیگر مخالفی نمی بینم .

مقین السلطنه - بنده مخالفم .

رئیس میانه اشخاصی که مخالفند و اسامیشان را ثبت کرده اند دو نفر باقی مانده است آقای متین السلطنه .

مقین السلطنه - آقایان التفات بفرمایند که مقصود از مباحثات اینجا حقیقت این نیست که ایراداتی بکنند و بعضی جواب بدهند یا بعضی دلائلی بیاورند که در انتظار خیلی تحسن باشد و در خارج آن قائمه که باید در آن ترتیب باشد نشاید با منعی که میخوام عرض بکنم ما نباید از معنی نفوی پارلمان استفاده بکنیم یعنی حرف بزیم بلکه باید به بینیم در خارج همان اثر را خواهد داشت که در این محوطه دارد و بنیم در تمام ایران همین اثر را دارد یا خیر اگر دیدیم که ممکن است برخلاف آن اثری بکند آنوقت در مقام بر آئیم و بعضی راهها بدست بیاوریم که آن اثرها مبدل با اثرات خوب بشود (یعنی اگر آن آثار سوء باشد) در اینجا باید دانست که صحبت در این است مقضی هست که پارلمان حالیه مداومت پیدا بکند یا اینکه مقضی نیست و اگر مقضی هست آیا مجوز قانونی داریم یا مجوز قانونی نداریم مذاکراتی که دیروز و برپروز شد و مخصوصاً آقای حاج شیخ الرئیس این جا بیان کردند پس از اینکه معلوم شد و دانستیم که مقضی هست و محرز شد که مقضی است باید دید چه طور مجوزی باید باشد که بتواند انسان از روی آن رأی بدهد که مجلس مدت باشد عقیده شخص بنده چنانچه در روز اولی که این مذاکره میشد عرض کردم این است که مقضی نیست و بهتر این است که رضایت بانحال این مجلس بدیم و يك موقعی بدست موکلین خودمان و عموم اهالی بدیم که وکلای جدید خودمان را انتخاب بکنند که اگر مداومت بدیم و مجلس را منحل نکنیم در اغلب از نقاط ممکن است که انتخاباتشان در تیر بشود بجهت توقف ما در این مجلس و لزوم این انتخابات نشدن را که البته يك اثر سوئی در مملکت خواهد بخشید از اثر وجود ما در این جا بدانند و ممکن است توقف ما در اینجا با مال اسبابی فراهم بیاورد و اسباب اشتزاز مردم از مجلس بشود ولی حس (زیرا اندم) رجوع بآراء ملت معین کرده اند که ما نمیتوانیم حالاً تغییر بدیم والا اگر در موضوع انتخابات خودمان یعنی دوره خودمان میخواستیم برای بدیم همه میگفتند خارج از موضوع است و از حد خودمان تجاوز کرده ایم که برای خودمان رأی داده ایم زیرا که حد ما را یعنی حد این دوره تقنینیه حالیه را نظامنامه انتخابات سابق معین کرده است و نظامنامه ما نوشتیم برای دوره تقنینیه آتیه است این

را بخواهید و در جواب آن تلگراف از بعضی از نقاط جواب مساعد آمده است و از بعضی نقاط جواب نیامده است و چنانچه در روز اول عرض کردم از آن نقاطی که جواب مساعد آمده است فقط نقاط شمالی ایران است همینکه گفته میشود فقط از فارس یا از شیراز کرسی ایالت فارس نیامده است این با حقیقت امر مخالف است بجهت اینکه اسامی جاهائیکه تلگراف نیامده است و نمیتوانستند تلگراف بکنند لهذا نیامده است بنده یاد داشت کردم و عرض میکنم ملاحظه خواهید فرمود که از فارس از بنادر هرستان از کرمان از اصفهان از کرمانشاه از همدان از زنجان از عراق از قیانات از مدلل متنوعه از یزد و از آذربایجان غیر از تبریز و از خراسان غیر از دوقظه مثل نیشابور و قوچان و غیره نیامده و آنجاها یکیک می گویند عجلاته در دست مانیست یعنی اشرار در آن جا هستند آنجا قدرتش طبعه است که خواهند گفت که نمیتوانستند تلگراف بکنند یعنی کردستان ما زاندران ملایر تویسرکان بروجرد و غیره بهلاوه آن تلگرافاتی که آمده است از یکی دوجا با مضای انجمن است بعضی جاها با مضای عموم اهالی است بنده می خواهم بدانم مقصود از عموم اهالی چیست میخوام بدانم عموم اهالی مقصود آن قسمتی از اهالی نیستند که در انتخاب میتوانند رأی داشته باشند یا آتھائی هستند که تلگرافاتی را که چند نفر می نویسند مهر می کنند بدون اینکه حتی مفاد آنرا بدانند در موقع گذراندن نظامنامه انتخابات وقتیکه صحبت میکردیم اغلب آقایان در نظر داشتند که انتخاب بکنند وکیل را بصدهزار نفر میدادیم و اصرار داشتیم که عدده نفوس هر محلی را هم زیاد از آنچه هست قرار بدیم این تلگرافاتی که آمده است عرض نمیکنم باید با مضای صد هزار نفر یا پنجاه هزار نفر یا ده هزار نفر یا پنج هزار نفر باشد ولی می بینم اهالی نیشابور میگویند که سیصد نفر امضاء کرده است آیا بشما سیصد نفر حق يك نفر نماینده دارید و معنی آن تلگرافاتی هم که از سایر جاها آمده است اینست که هر وقت شما تلگرافی بنویسید و بدست آنها بدهید ممکن است آن تلگراف را امضاء کنند بدون اینکه امضاء کنند اهمیت آن را ملتفت باشند آقای مخبر در این جا فرمودند که در آن وقتی که در مواد نظامنامه انتخابات صحبت از امتداد مجلس میشد گفته شد که ممکن است سه سال شود و در آن پیشنهاد رأی گرفته و رد شد و اینکه داخل در این موضوع شدیم برای این است که دو سال ممکن است تغییر بیاید این را بنده قبول ندارم برای اینکه آقای مخبر باید در نظر داشته باشند که نظامنامه انتخابات را برای دوره خودمان ننویستیم این را برای دوره انتخابات دوره آتیه ننوشتیم ولی اینست دو سال را بر حسب قانون اساسی و بر حسب (زیرا اندم) رجوع بآراء ملت معین کرده اند که ما نمیتوانیم حالاً تغییر بدیم والا اگر در موضوع انتخابات خودمان یعنی دوره خودمان میخواستیم برای بدیم همه میگفتند خارج از موضوع است و از حد خودمان تجاوز کرده ایم که برای خودمان رأی داده ایم زیرا که حد ما را یعنی حد این دوره تقنینیه حالیه را نظامنامه انتخابات سابق معین کرده است و نظامنامه ما نوشتیم برای دوره تقنینیه آتیه است این

ذکاء الملک - عرض میکنم در اظهاریکه آقای معین السلطنه فرمودند مخالفت این امر با قانون اساسی در دلیل بنده توجه فرمودند و این اعتراضی که بر بنده کردند درست ملتفت نشدم بنده عرض کردم که این مسئله که اینجا مطرح شد در موضوع دوره تقنینیه مجالس آتیه بوده و هیچ عرض نکردم راجع بخودمان بود و مذاکره هم شده که مخالف با قانون اساسی است یا نیست عرض کردم که عقیده خودم این است که ممکن است مخالفت با قانون اساسی هم نداشته باشد بجهت اینکه آن اصل که مدت دوره تقنینیه را تعیین کرده است منسوخ شده است و میتوانم او را جزء قوانین عادی بشمارم بنده این را دلیل لازم است اینجا عرض کنم آقایانیکه میفرمایند ملت

اگر این کار را بخواهیم بکنیم مخالفتی با قانون اساسی ندارد و اما در باب تقاضیه شماره کردید که از آنجاها تلگراف نیامده است که دو سه نفره عرض می کنم یکی اینکه آنجاها را که شماره کردید که نمیتوانستند تلگراف بکنند نکردند و چند نقطه اش همانجاها بوده که نمیتوانستند بما تلگراف بکنند و آن نقاطی را که کشورند تلگراف نیامده از بعضی نقاط آنها تلگراف اینجا آمده است ممکن است که آقای رئیس مجلس اجازه بفرمایند که خوانده شود و اما يك قسمت از فرمایشاتشان این بود که خودشان تصدیق فرمودند که این موقع برای امتداد این مجلس خیلی اهمیت دارد و تصور میکردند که اگر رأی در امتداد مجلس داده شود رأی ابدی خواهد بود و بنده چنین تصور نمیکنم بجهت اینکه اولاً ما مدت عمر خودمان را زیاد نمیکنیم اینقدر این اهمیت ندارد از دولت تقاضا می کنیم که فوراً اعلان انتخابات بدهد بلکه خیلی میل داشتیم که پیش از این اعلان داده شود که مردم انتخابات خودشان را بکنند و حالیه هم حال مردم یکی از دو حال خارج نیست یا اینکه خیلی شوق دارند که نمایندگان جدید بیایند جای ما بنشینند پس خیلی زودتر اتمام خواهند کرد و نمایندگانشان را زودتر میفرستند یا اینکه شوق باینکار ندارند پس این مسئله را قابل توجه میدانم که يك کاری نکنیم که مت بی نماینده باشد چون احتمال میدهم که يك مدت متدای ملت بی نماینده بماند و مجلس شورای ملی تعطیل باشد و تا يك اندازه میتوان گفت چنانچه بعضی از نمایندگان بنده را متذکر و قانع کردند اساس مشروطیت نباید کلا یا جزعاً تعطیل شود صحیح است این مسئله که هر گاه و اما مملکت يك مدتی هیچ نماینده نداشته باشد و مجلس ناشاید که تعطیل در قسمت اساس مشروطیت شده است و يك مضراتی خواهد داشت ما میگوئیم این ترتیب شود و اینرا هم اگر ضرورت نداشت که شاید يك مصراتی از این انقصال مجلس فایده این ممکن بشود اینکار را نمیکردیم و خیلی از روی بی میلی است بر بنده خیلی گران است که این رأی را بدیم چنانچه بر هر کسی از نمایندگان که این رأی را خواهد داد خیلی گران است هیچ میل نداریم هیچ نمی خواهم و اشتیاق نداریم که کار بیاین جا برسد که ما این رأی را بدیم فقط نظر باینست که مقدمه بداریم مصالح مملکت را بر عزت نفس خودمان که این رأی را بدیم و فرض نمیکنیم که حرکت رکبکی هم کرده باشیم .

رئیس - چون ما حصل این فقره و تکلیف این امر را باید معین شود و رأی بکنیم و مذاکرات طولانی لازم است که این مسئله چند دقیقه تنفس داده شود بهتر است (در این موقع اجازه تنفس داده شد) مجدداً پس از بیست و پنج دقیقه جلسه تشکیل شد

حاج سید ابراهیم - بنده اولاً تصدیق نمیکنم اظهارات آقایان را که مملکت بحال خطرناکی وضع اغتشاش آنرا تصدیق نمیکنم بجمعا الله آنکایه ما که آن حالات با آنوقت را از میان برداشت این بقایای آرزو را هم از بین خواهد برداشت و نباید حق داد بآنها که میگویند مملکت در حال خطرناکی است و این مطلب را لازم است اینجا عرض کنم آقایانیکه میفرمایند ملت

ایران راضی نیستند مجلس منفصل شود و باید باقی باشد این بدیهی است ملت ایران که با آنزحمات مشروطه را تأسیس کرد مجلس را خیلی عزیز می دارد و میل ندارد یکساعت مملکت بی مجلس باشد ولو وکلای جدید هم خواهند آمد باز میل ندارند که یک روز بی مجلس باشند و میل دارند که متدل باشد جلسات این نمایندگان بجلسات نمایندگان دیگر و از جهت دیگر که مجلس باشد مدد فکری خواهد داد بدولت و بهتر یسرف امور از برای وزرائی میشود ولی بنده عرض میکنم که بهتر این است که بترتیب قانونی پیش بیاییم یعنی رأی دادن خودمان را در اینکه مجلس باقی باشد یا نباشد بنده این را صحیح نمیدانم عقیده بنده اینست که اگر اکثریت ملت رأش براین باشد که این مجلس باقی باشد و امتداد یابد دیگر لازم نیست که ما رأی بدیم ولو اگر رأی بدیم و اکثریت آراء ما هم برخلاف امتداد باشد نباید رأی را قابل اعتنا قرار داد بجهت اینکه در مملکت مشروطه حاکم اکثریت ملت است حالا اگر این تلگرافاتی که آمده است حاکی از اکثریت ملت است دیگر رأی جدیدی لازم نیست و همان تلگرافات کافی است برای بقای مجلس ولی عقیده بنده این تلگرافات کافی نیست و اکثریت ملت نیست و اینکه از بعضی جاها تلگراف نشده بواسطه آنکه مطلع نبوده اند که تلگرافات نکرده اند یا اینکه بواسطه دوری آنها از مرکز بوده که اگر آنها خبر میدادند آنها هم همین درخواست را میکردند یا از خطرات آنطوری که ما مطلع هستیم مطلع نبوده اند اگر آنها هم مطلع بودند و آگاهی داشتند همین تقاضا را میکردند و اگر بآنها هم تلگراف شود همینطور جواب میدهند حالا اگر مجلس این تلگرافات را کافی میدانند دیگر محتاج برای نیست و مجلس باقی خواهد بود و اگر کافی نمی دانند باید مراجع بولایات بکنند جوابهایی که از ولایات آمد آن حاکی از رأی اکثریت ملت است دیگر محتاج برای نیستیم و همین مضمون هم پیشنهاد کرده ام و اینکار هم هیچ طول نمی کشد بجهت اینکه تا روز چهارشنبه ایام رسمی این دوره است و روز پنجشنبه و جمعه هم ایام تعطیل است اگر جز ایام رسمی هم بود تعطیل بود و کلاهم جانی نرفته اند وقتی که این تلگرافات آمد بدون اینکه رأی جدیدی داده شود بلکه همان تلگرافات کافست برای بقای مجلس و اما این مثالی که عرض کردم نه اینست که ما مدت مجلس را زیاد میکنیم بجهت اینکه اگر مدت مجلس را زیاد کنیم آنرا قانونی نمیگویند بجهت اینکه قانون اساسی میگوید مدت مجلس دو سال است اگر چه این ماده پنجدهم راجع بجهت دیگری است ولی ضمناً میگوید مدت مجلس دو سال است ما هم نگفته ایم که مدت مجلس زیاد شود ولی اکثریت مجلس حکم کرده است که مجلس باقی باشد برای اینکه امورات یسرفت بکند تا اینکه وکلای جدید حاضر شوند لهذا استدعا میکنم که پیشنهاد بنده را بخوانید .

ناصر الاسلام - حاصل عقاید نمایندگان که در این دو جلسه اظهار شد و اینجانبانده ششیم میتوان اظهار بکنم که عقاید نمایندگان با اتفاق برقای مجلس

است و حرفی که هست که طریق امتدادی است که آیا به چه طریق باید داخل این مطلب شویم که مجلس امتداد پیدا بکند و معظوری هم برای ما نباشد اگر این مسئله حل نباشد دیگر در این موضوع اینهمه مذاکرات نباشد و آن نتیجه مطلوبه معلوم میشود و اینکه کمیسیون این پیشنهاد را کرده است بعقیده بنده در ماده اول که نوشته است و مذاکره میشود بهترین دلیل است برای این مطلب هر قدر در این مذاکره کنیم و تأمل کنیم باوجود این فکر و تأملی که شده است بهتر از این دیگر نمیتوانیم بکنیم و طرفین بهتر از این نخواهیم اتخاذ کرد زیرا این تقریرات که میشود در امتداد مجلس و تقاضاهاییکه از طرف ملت شده است معلوم میشود که انجمنهای ایالتی و ولایتی و طبقات مردم حس کرده اند که اگر مجلس امتداد نیابد چرخهای قوه اجرایی از کار خواهد ماند بنده می بینم که آقایان مقایسه میکنند حال این مملکت را با سایر ممالک امروز که از قوانین وضع نشده است و هنوز هیچیک از مراتبی را که ما میگردیم برای ممالک مشروطه حاصل نشده است مابین این هیئت مقننه و هیئت دیگری که بست نمایندگی خواهند آمد اگر فاصله شود یک حال بدی پیدا خواهند کرد در جلسه گذشته گفته شد که در سایر ممالک بین انفصال مجلس و نظام مجلس ثانی تعطیل میشود و هیچ انقلابی هم واقع نمیشود بنده می بینم آقایان مقایسه میکنند حال مشروطه ما را که چندین سال بطور مشروطیت اداره شده و تمام قوانین لازم آنها وضع شده و در کتاب های مدرن در پیش میز رئیس گذاشته شده حاضر است این هیچ اشکالی ندارد در مقام اجراء هر اشکالی که پیش می آید رجوع میکنند بآن قانون که در جنوا گذشته و اول آن مشکل میکند و آن چیزی که دشوار است برای آن ها در آن قانون حل میکنند لکن هنوز هیچ يك از ادارات قانون ندارد باینجهت پیچوجه نمیتوانیم مقایسه کنیم حال خودمان را با سایر ممالک و ما به تجربه دیده ایم که در يك مسئله لازم مراجع بودجه در بعضی مقطوعات در بعضی جزئیات هیئت دولت محتاج میشود به پیشنهاد مجلس و هر روز پیشنهاد میکنند و اگر آن پیشنهادها قبول نشود یا رد و تصویب معلوم نشده اسباب اشکالات میشود مثلاً بودجه درباری اگر مجلس نمی آمد می رفتند صاحبان آن حقوق پیش وزراء و يك مدت زیادی ملت و دولت وقتش تلف میشد دولت را از کار باز میداشتند در صورتیکه دولت هم اقدامی نمیتوانست نماید و تکلیف خود را نمیدانست و بلکه سایر مطالب اساسی که همه ما میدانیم امروز دولت احتیاج دارد به مجلس در ماده اول اظهار موافقت نمودم را عرض کردم ولی در ماده دوم پنجویکه کمیسیون نوشته است بنده باین نحو موافقت نمیکنم و در موقع که آن مطرح میشود عرض خواهم کرد يك تلگرافی هم راجع به امتداد مجلس از انجمن ایالتی گیلان رسیده است اگر آقای رئیس تصویب میفرمایند مقرر فرمایند قرائت شود .

لواءالدوله

عرض کنم بنده مخالفتم با آن مطالبی که در اینجا نوشته شده است نیست معالفتم باچند اصل از قانون اساسی است که آنها نسخ شده بعد بوجوب بعضی رفتار نشده منجمله چهار اصل بوده است که آقای حاج امام جمعه فرمودند اشغالی

که مآیند جواب میدهند اینجا جواب های قانونی بدهند بنده کمال تشکر را میکنم از اظهاراتشان و دوست میدارم که آقایان جواب بدهند جوابهای منطقی بدهند که قانون اساسی آنها را تصدیق میکند از اصولیکه در اینجا نسخ شده است اصل چهارم است و پنجم است و ششم است و چهل و نهم کی اینهارا فسخ کرد انجمن ها تقریباً اختیار دارند بانجمن ایالتی آذربایجان میخواهم بدانم که عده انجمن های ایالات تلگراف کردند بانجمن ایالتی آذربایجان بآنها که بانجمنها همراهی کردند مسلماً از دو هزار نفر بیشتر نیستند انجمن ایالتی آذربایجان این چهار اصل را فسخ کرده و چهار اصل دیگر وضع کرد یکی از آن اصول فسخ شده اصل چهارم است که مبنی بر عدم نمایندگی ایالتی بکصد و شصت و دو نفر است بجای آن انجمن ایالتی آذربایجان نوشت که یکصد و بیست نفر است در مجلس هم تصویب شد آنوقت دو مرتبه در مجلس قرار دادیم که عده نمایندگان يك صد و سی و شش نفر باشد آیا آن اصل قانون اساسی فسخ شد یا نه ؟ میخواهم بپرسم که آیا اکثریت ملت رأی داده است که آن اصل نسخ شود یا نه .

رئیس - اظهارات شما از موضوع بحث خارج است بنده میخواهم به بینم اگر بعضی بگویند که اگر آن اصل فسخ شده است و بجای آن اصل فسخ شده اصل دیگر گذاشته شده است چرا برخلاف آن اصل دومی که بجای منسوخ است باز عمل کرده اید در اصل پنجم میگوید که مدت مجلس دو سال است و ابتدای آن زمانی است که نمایندگان ایران در مجلس حاضر شوند اگر آن اصل نسخ نشده است که هنوز ما چهل نفر کسر داریم و هیچ اول دوره هم نشده است پس آن را فسخ کردند صحیح هم بوده است بجهت اینکه ملت کرده است لکن عرض کردم بنده مخالفتم دارم لکن عرض میکنم اگر ملت کرده است که حالا هم ملت میگوید که مجلس باقی باشد چون ابتدای دوره را برای اکثریت ملت تغییر دادند دیگر میکنند که اکثریت مجلس از روزی است که تمام نمایندگان حاضر شوند گفته اند از روزی است که مجلس افتتاح میشود این تغییر راهم بنگریم و رضایت انجمن های ایالتی و ولایتی کردند حالا هم آنها میگویند مجلس باقی باشد از اینطرف هم می بینم که بعضی از آقایان میگویند که اکثریت ملت این تقاضا را نکرده است بنده مخالفتم شخصاً تا امتداد مجلس لکن عرض میکنم حساب کنیم به بینم از چند نقطه تقاضای بقای مجلس شده است از خراسان خواسته اند تقریباً ۱۲ نفر نماینده بآنها حق داده شده از سمنان تلگراف شده است بکنفر نماینده دارند این ۱۳ نفر گیلان شش نفر این نوزده نفر قزوین دو نفر این بیست و یک نفر بختیارها هم قهراً رأی داده اند بجهت اینکه نماینده آنها با اختیار وزیر داخله است و آقای صمصام - السلطنه رئیس الوزراء حضوراً در مجلس اظهار کردند و خود مجلس لازم است از آذربایجان و ایلات و مسیحین آنجا هم که تلگراف شده ۲۲ نفر نماینده دارند این چهل و سه نفر تا يك نفر نماینده بختیارها این ۴۴ نفر از جاهائی که نتوانسته اند تلگراف کنند و نمی توانند که مانده است چهار نفر ملایر دو نفر این شش نفر بروجد و لرستان چهار نفر ده ن هراق دو نفر دوازده نفر

مازندران است ۵ نفر این ۱۷ فر استر آباد یک نفر ۱۸ نفر این تقاطعی است که بواسطه اینکه در فشار هستند نتوانستند تلگراف بکنند فراموش کردم از تقاطعی که درخواست بقای مجلس را کرده اند طهران است پانزده نفر و چهل و چهار نفر هم آنجا حساب کردیم این ۵۹ نفر اگر از یکی دو نقطه دیگر هم استفسار فرمائید که مطلع نبوده اند آنها هم قطعاً تلگراف خواهند کرد و اکثریت یکصد و سی و شش نفر میشود شصت و نه نفر و این اکثریت حاصل خواهد شد پس باید پابین دلایل رد بکنیم که از طرف اکثریت ملت تلگراف شده است و رأی داده اند پس اگر شما با اکثریت ملت که به تلگراف انجمنها و اختیار دادن آنها بانجمن ایالتی آذربایجان باشد امضاء کرده اید نسخ چهار اصل را از قانون اساسی و آنها هم منوط برای شما کرده اند اگر این عمل را امضاء کرده اند بنده میگویم که از طرف اکثریت ملت امتداد خواسته شده است ولی اینکه بنده مخالفتم با امتداد مجلس دارم اشکال من اینجاست که اگر ما آن چهار اصل را فسخ کرده ایم یکی از آن اصول نسخ شده این بود که عده نمایندگان تا یکصد و شصت و دو نفر می توانند باشند و بجای آن نوشته شده بود که عده نمایندگان یکصد و بیست و دو نفر است و ما هم که آنرا امضاء کردیم چطور شد دو مرتبه که قانون انتخابات را منوشدیم عده را یکصد و سی و شش نفر کردیم این اشکال بنده است .

معزز الملک - مطلبی را که در تحت مذاکره است ممکنست بعقیده بنده بدو قسمت کرد یا اینکه ما قطع نظر از اینکه تمديد مجلس مخالف است با قانون اساسی یا موافق بینیم تمديد مجلس صلاح است یا خیر و ممکنست در اینباب يك نظری باشد به عقیده بنده گمان میکنم نماینده افکار تمام نمایندگان باشم اگر بگویم مقتضی است بجهت اینکه اگر رجوع بکنند يك قانون خیلی نزدیکی خواهند دید که تمام این ابر های سیاه ارتجاع که بطرف ما حمله ور شده بود فقط موافقت نمایندگان و هیئت وزراء بود که آنها را تا يك درجه برطرف کرد پس از این مدنظر یعنی از صلاحیت بعضی مجلس تصور میکنم مخالف خیلی کم باشد آن وقت باید رجوع کرد باینکه این امتداد راه قانونی دارد یا ندارد بر فرض که ما صلاح بدانیم تمديد مجلس را در اینکه قانوناً مدت مجلس دو سال است جای هیچ شك و شبه نیست ولی بموجب قانون اساسی در وقت نوشتن قانون انتخابات چیزی که عرض کردم این بود که اصلیکه از بین رفته و نسخ شده است نمیتوان گفت بعضی از اصل باقی است اصل که رفته است تمام آن از بین رفته است و اصل پنجم تمامه از بین رفته است و این منطقی نیست که بگوئیم اصلی از بین رفته و تمام آن نرفته بعضی از آن رفته است و از طرف دیگر اگر بعضی از آقایان تکیه میکنند باصل پنجدهم قانون اساسی آنرا هم نمی توانم عرض کنم که اصل پنجدهم هیچ مربوط باینجا نیست بجهت اینکه اگر بخواهیم از اصل قانون اساسی مسئله مدت را بزنیم پیچوجه خللی باصل پنجدهم وارد نمی آید و اصل پنجدهم از بین نمیرود مقصود از اصل پنجدهم اینست که اختیار انفصال

مجلس را معین کنند که بمناسبت اسمی از دو سال بوده است اما علی ای حال بنده عرض میکنم و تکرار میکنم که مطابق قانون انتخابات عمر مجلس دو سال است و متوسل شدن بقوانین بعقیده بنده خیلی خارج از موضوع خواهد بود در خصوص این امتداد بجهت اینکه پیش از اینکه این تلگرافات برسد بنده خیلی متزلزل بودم بجهت اینکه صلاح مملکت را در این میدیدم که تا موقعی که نصف بلا و يك از نمایندگان جدید نرسند با بد مجلس امتداد یا بد مجلس امتداد یا بد از طرف دیگر برای فصول بیان راه قانونی نداشتم اینست که بعقیده بنده ملت ایران طبیعی ترین و بهترین راه را برای اینکار اتخاذ کردند و آن راه چه چیز است رجوع بقصد ملت است و نمی توانیم بگوئیم که از این نقطه که تلگراف نرسیده است فقط بواسطه اشاره انجمن آذربایجان بوده است میتوانیم بگوئیم حتی خود ملت ایران موافق بوده است که مجلس شورای ملی امتداد پیدا کند و هیچ نظر دولت هیچ وجه منالوجه نمیتواند در امتداد مجلس شرط باشد فقط نظر کسیکه شرط است نظر کسی است که ما بنام او اینجا نشستیم و او ملت ایران است فقط چیزی که ممکنست در اینجا معترض و مذاکره شد رأی مجلس آنجا مداخله خواهد داشت اینست که بینیم این تلگرافاتی که رسیده است کافی هست از اکثریت ملت یا کافی نیست و بعقیده بنده کافی است و در این مورد سابقه هم داریم یعنی دو سال قبل وقتیکه میخواستند قانون اساسی را تغییر بدهند چه کردند آن بهترین وسائل را در آن جا کردند و ساده ترین و طبیعی ترین راه را برای این کار اتخاذ کردند یعنی رجوع کردند بقصد ملت و بولایات تلگراف کردند و از ولایت بانجمن ایالتی آذربایجان رجوع کردند در آن موقع تقاطعی که رأی داده اند برای تغییر قانون اساسی اگر از حیث عده کمتر از جاهای دیگر که رأی ندادند زودتر زیادتر یقیناً نبودند پس همان تقاطعی که در آن موقع رأی آنها قابل این شد که مدخلیت در قانون داشته باشد یعنی در تغییر قانون اساسی حالا هم کافی است برای رأی در امتداد مجلس و این هیچ اشتباه نشود که هیچ نمیخواهیم مدت مجلس را زیاد بکنیم و هیچ نمیخواهیم جلوگیری کنیم از انتخابات نمایندگان آتی چنانچه گفته ایم مدت انتخاب هما دو سال است و ما همه ساعت ۸ دقیقه تأکید میکنیم که ملت نمایندگان خود را زودتر انتخاب کند پس ما چه میگوئیم میگوئیم آن مدتی که این عسارت خالی خواهد ماند و ملت ایران نماینده نخواهد داشت بحکم همان ملت ایران ما اینجا می نشینیم و برای آنها کار میکنیم و چیز تازه نمیگوئیم پس حالا اگر هم بر فرض که قانون اساسی هم اجازه ندهد آن بهترین و آسانترین راههایی که میتوان برای اینکار اتخاذ کرد خود ملت ایران اتخاذ کرده است که رجوع به ملت باشد پس حالا میخواهم تردید بکنم حرف یکی از نمایندگان را که گفت اهالی ایالات و ولایات ایران درست قوانین مشروطیت را ندانند بنده میگویم خوب دانسته اند و بهترین طریق را بیموده اند و طبیعی ترین راهها را برای این کار اتخاذ کرده اند حالا بانظر یک اگر بر فرض هم عقیده باشند که تصور کنند این تلگرافاتی که رسیده است کافی نیست

اگر چه این مسئله در ماده دوم این راپورت حل شده است گفته شده که رجوع خواهد شد به ولایات و تلگرافات خواهد شد بولایات و من یقیناً قاطع دارم که همان ولایاتیکه تلگراف نکرده اند با مسیوق نبوده اند و یا نتوانسته اند بجهت اینکه ولایات و کلیه افراد مشروطه خواه ایران عقیده شان براین است که مجلس امتداد بیاید و اگر مجلس نباشد عقیده شان براین خواهد بود که مضراتی متوجه مملکت خواهد شد .

رئیس - مذاکرات کافی است یا کافی نیست ؟ (اغلب اظهار کردند کافی است) .

رئیس - تقاضائی از بعضی از نمایندگان شده است که با رفره رأی گرفته میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) : ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم که در خصوص تمديد مجلس شورای ملی رأی با رفره گرفته شود .

رئیس - دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است در ماده اول یکی از طرف آقای ارباب کیخسرو و یکی از طرف آقای حاج سید ابراهیم خواننده می شود : (پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بضمون ذیل قرائت شد) .

بنده پیشنهاد میکنم اولاً در ماده اول بعد از کلمه « بعد از نوشته شود » (از تاریخ ۲۳ فروردین تنگنوزیل الی مدت ۳ ماه مجلس شورای ملی کماکان امتداد می یابد) .

ارباب کیخسرو - بنده با اینلاحظه پیشنهاد سه ما را کردم که موافقت میکنم با قانون انتخابات که تازه گذشته چون در آنجا نوشته شده است که سه ماه با تقاضای مجلس مانده مهلت داده شود ملت برای انتخابات بنده در اینجا بینیم باینتر تیبیکه نوشته شده است همینطور صحیح شد اشخاصیکه در جاهای دور هستند و بکفداری مسامحه دارند اگر مطمئن باشند باینکه و کلاه نشسته اند شاید اقدام بکنند با انتخابات از این جهت وقتی که اعلان داده شد که تا سه ماه شما رجوع دارید نمایندگان خودتان را بفرستید بکنر شاید نمایندگان خود را انتخاب کنند و بفرستند این ترتیب موافقت هم خواهد کرد با نظامنامه انتخاباتیکه گذشته است . از اینجهت بنده سه ماه پیشنهاد کردم .

ذکاء الملک - راست است در نظامنامه انتخابات نوشته شده است که سه ماه قبل از دوره تقنینیه دولت اعلان انتخابات جدید را بکنند ولیکن ما اگر اینجا مراعات این ترتیب را نکنیم مقصودمان کاملاً بعمل نمی آید بجهت اینست که مقصود ما اینست که ما مدتی که مجلس آینده کاملاً منمقد نمیتواند بشود این مجلس دائر باشد و امور قوه تقنینیه تعطیل نباشد حالا آمدت اگر زیاد از سه ماه باشد در صورتیکه رأی میدهم که مدت سه ماه باشد چه خواهیم کرد یا اینکه انشاء الله بلکه طوری شد که دولت اعلان انتخابات کرد اقدامات جدی کرد و مردم همراهی کردند و انتخابات کمتر از سه ماه طول کشید و مجلس منمقد شد چنانچه خیلی هم احتمال دارد که هشتاد نفر نماینده که باید حاضر شوند تا مجلس افتتاح شود قبل از سه ماهه تمامه نفر حاضر شوند پس ما هیچ راضی نیستیم که حتماً سه ماه اینجا بمانیم دو صورتیکه يك اکثریت قانونی حاضر باشند هر روزیکه آنها حاضر باشند ما با کمال میل و شغف میرویم و آنها را با اینجانب فرستیم پس معذور نیاید باشد

که اگر بیشتر از سه ماه شد بنامیم و اگر کمتر هم شد همین تا آنها بیایند .

رئیس - رای میگیریم باصلاح آقای باب کیخسرو آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند کسی (قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح حاجسید ابراهیم قرائت میشود (اصلاح مزبور عبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که چون تلگرافاتیکه در باب تمدید مجلس مغایره شده است معلوم نیست که حاکی از رای اکثریت ملت باشد یا از طرف دولت مراجعه فوری بولایات بشود و بحکام ولایات حکم شود که جواب را مجبلا اتخاذ کرده مغایره نمایند و بعد از رسیدن جواب ولایات مجلس شورای ملی قانون رسمیت مجلس جدید متد گردد .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم اینجا بعضی از آقایان مذاکره میکنند که بعضی از وزراء معرفی نشده برای مراجعه بولایات و کسب آراء آنها مشکل است این را هیچ صحیح نمیدانم زیرا رئیس الوزراء هست و بعضی از وزراء هم هستند و خیلی خوب میتوانند این کار را بکنند و چندان اصرار هم ندارم که اینکار از طرف دولت شود بجهت این که مقصود تکمیل این تلگرافات است که بواسطه عدم اطلاع سایر نقاط ناقص است و باید با آنها مراجعه شود تا آنکه رای اکثریت ملت معلوم شود چه از طرف دولت اکتساب آراء شود چه از طرف دیگری هینطوریکه آقای حاج آقا گفتند تصویب دولت باید با اطلاع ملت باشد و ما آن وقت نماینده ملت خواهیم بود و جهت ندارد که یک قصبه بزرگ مملکت را بی اطلاع بگذاریم و ضرر هم ندارد با آنها اطلاع داده شود و آنها اگر از بی اطلاعی یا بی اتفاقی از این مطلب مسبوق نباشند نمیشود آنها را از نظر انداخت و آنها را بی اطلاع گذاشت چه عیب دارد تکمیل شود این آراء و این اطلاعات دینی رای اکثریت حقیقی ملت معلوم شود و هر ض کردم که من این تلگرافات را از برای احراز رای اکثریت ملت اگر مجلس حاکی از اکثریت ملت میدانند بنده عرضی ندارم و طریق دخول اینصط را همانطور میدانم که عرض کردم آنکه باین شکل رای بندهم در تمدید یعنی نباید معلوم کنیم که این تلگرافات کافی است برای آراء اکثریت ملت یا نه و بنده این تلگرافات را کافی نمیدانم و میگویم باید بسیار ولایات اعلان کرد و اطلاع داد کسب آراء کرد والا بدون کسب اطلاع آنها نمیشود باین ترتیب که مذاکره میشود خودمان رای بندهم که مجلس فقد شود.

ذکاءالملک - اینست که که این تلگرافات داخله کافی هست یا کافی نیست رای بامجلس است و در این خصوص حکم خواهد کرد ولی متذکر میکنم خاطر آقای حاج سید ابراهیم را که مقصود ایشانرا تقریباً تا یک اندازه در ماده دوم نوشته ایم و آن ماده مقصود ایشان را باندازه لازم داراست **رئیس** - رای میگیریم باصلاح آقای حاج سید ابراهیم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد اصلاحی آقای حاج آقا نموده اند خوانده میشود (بعضیون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده این جمله

اضافه شود : - ولی مجلس ابتدا قوانین را بطور قطعی نگذرانیده فقط لوائح قانونرا ترتیب نداده رد و قبول را باره و کلای دوره آتی موکول مینماید. **حاج آقا** - پیشنهادیکه میشود درموقعیکه پیشنهاد خوانده میشود صاحب پیشنهاد توضیح میدهد آن وقت هر کس میخواهد رد میکند و هر کس میخواهد قبول میکند بنده باز مکرر عرض میکنم چون این تلگرافات را مجوز قانون گذاری نمیدانم و ابتدا آن ترتیبی که آقای معزالملک فرمودند تصدیق ندارم اگر چه اساساً فرمایش ایشان صحیح است و ولی ابتدا این ترتیب محقق نشده در این مورد نمیتوانم حق بندهم به و کلاه که پس از امتداد اگر رای بامتداد دارند) داخل قانون گذاری بشوند و قانون وضع بکنند برای ملت فقط چیزیکه در این دو سه روز از فرمایش آقایان موافق بیرون آمد این بود که امروز ضرورت مقتضی است که آقایان باشند اینصط را تا اندازه تصدیق دارم ولی آن ضرورت بما نمیگوید که باید حکماً قانون بگذارید فقط وجود این مجلس را ضرورت اقتضا میکند آنطوریکه آقایان میفرمایند حاصلش لزوم مقابل صورت و هیئت مجلس است ولی اگر یک وقتی ضرورت چیزی بما گفت بهمان اندازه که ضرورت بما میگوید باید تعقیب کنیم والا بنده حق بندهم با آنکسانیکه بخواهند اعتراض بکنند بقوانین آتی و بگویند این قوانین را ما لازم الاجراء نمیدانیم یکی از آن اشخاص بنده هستم حالا کسی قبول نمیکند نکنند ولی من خودم حق ملت خود را میدانم که اگر قانونی بد از مجلس بگذرد یا تحمیلی بر ملت شود آن قانون را از و کلای ملت نمیدانم از اینجهت حق بندهم باینکه آن قانون را اچراه کنند زیرا که پس از تمامی مدت قوانین اینمجلس و تحمیلات آن بنام ملت ایران نیست بلی ترتیب لوائح قانونی میتوانند بدینمانند یک کمیسیون عالی .

ذکاءالملک - این مسئله در کمیسیون هم مذاکره شده بنده سؤال میکنم اگر مجلس حق قانون گذاری نداشته باشد وجود آن مجلس چه فایده خواهد داشت بودن این اشخاص در اینجا در صورتی که بتوانند بوطایف خودشان عمل کنند چه نتیجه دارد اگر بنا شود اینجا تماشاچی باشند بنده این مطلب را ابتدا قبول نمیکنم علاوه البته هر وقتی قوانین را بتوان تغییر داده و هر وقتی میتوان وضع کرد چه قبلا چه بعداً میتوان تغییر داد .

رئیس - رای میگیریم باصلاح آقای حاج آقا آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . **رئیس** - دو فقره تلگراف یکی از سزوار و یکی از رشت رسیده علاوه بر تلگرافاتی که دیروز خوانده شد قبل از اینکه در این ماده رای بگیریم این دو تلگراف خوانده میشود (دو فقره تلگراف مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

از سزوار شماره ۲۰۰۱۶ - ۲۰۰۱۷ - ۲۰۰۱۸ - ۲۰۰۱۹ - ۲۰۰۲۰ - ۲۰۰۲۱ - ۲۰۰۲۲ - ۲۰۰۲۳ - ۲۰۰۲۴ - ۲۰۰۲۵ - ۲۰۰۲۶ - ۲۰۰۲۷ - ۲۰۰۲۸ - ۲۰۰۲۹ - ۲۰۰۳۰ - ۲۰۰۳۱ - ۲۰۰۳۲ - ۲۰۰۳۳ - ۲۰۰۳۴ - ۲۰۰۳۵ - ۲۰۰۳۶ - ۲۰۰۳۷ - ۲۰۰۳۸ - ۲۰۰۳۹ - ۲۰۰۴۰ - ۲۰۰۴۱ - ۲۰۰۴۲ - ۲۰۰۴۳ - ۲۰۰۴۴ - ۲۰۰۴۵ - ۲۰۰۴۶ - ۲۰۰۴۷ - ۲۰۰۴۸ - ۲۰۰۴۹ - ۲۰۰۵۰ - ۲۰۰۵۱ - ۲۰۰۵۲ - ۲۰۰۵۳ - ۲۰۰۵۴ - ۲۰۰۵۵ - ۲۰۰۵۶ - ۲۰۰۵۷ - ۲۰۰۵۸ - ۲۰۰۵۹ - ۲۰۰۶۰ - ۲۰۰۶۱ - ۲۰۰۶۲ - ۲۰۰۶۳ - ۲۰۰۶۴ - ۲۰۰۶۵ - ۲۰۰۶۶ - ۲۰۰۶۷ - ۲۰۰۶۸ - ۲۰۰۶۹ - ۲۰۰۷۰ - ۲۰۰۷۱ - ۲۰۰۷۲ - ۲۰۰۷۳ - ۲۰۰۷۴ - ۲۰۰۷۵ - ۲۰۰۷۶ - ۲۰۰۷۷ - ۲۰۰۷۸ - ۲۰۰۷۹ - ۲۰۰۸۰ - ۲۰۰۸۱ - ۲۰۰۸۲ - ۲۰۰۸۳ - ۲۰۰۸۴ - ۲۰۰۸۵ - ۲۰۰۸۶ - ۲۰۰۸۷ - ۲۰۰۸۸ - ۲۰۰۸۹ - ۲۰۰۹۰ - ۲۰۰۹۱ - ۲۰۰۹۲ - ۲۰۰۹۳ - ۲۰۰۹۴ - ۲۰۰۹۵ - ۲۰۰۹۶ - ۲۰۰۹۷ - ۲۰۰۹۸ - ۲۰۰۹۹ - ۲۰۱۰۰ - ۲۰۱۰۱ - ۲۰۱۰۲ - ۲۰۱۰۳ - ۲۰۱۰۴ - ۲۰۱۰۵ - ۲۰۱۰۶ - ۲۰۱۰۷ - ۲۰۱۰۸ - ۲۰۱۰۹ - ۲۰۱۱۰ - ۲۰۱۱۱ - ۲۰۱۱۲ - ۲۰۱۱۳ - ۲۰۱۱۴ - ۲۰۱۱۵ - ۲۰۱۱۶ - ۲۰۱۱۷ - ۲۰۱۱۸ - ۲۰۱۱۹ - ۲۰۱۲۰ - ۲۰۱۲۱ - ۲۰۱۲۲ - ۲۰۱۲۳ - ۲۰۱۲۴ - ۲۰۱۲۵ - ۲۰۱۲۶ - ۲۰۱۲۷ - ۲۰۱۲۸ - ۲۰۱۲۹ - ۲۰۱۳۰ - ۲۰۱۳۱ - ۲۰۱۳۲ - ۲۰۱۳۳ - ۲۰۱۳۴ - ۲۰۱۳۵ - ۲۰۱۳۶ - ۲۰۱۳۷ - ۲۰۱۳۸ - ۲۰۱۳۹ - ۲۰۱۴۰ - ۲۰۱۴۱ - ۲۰۱۴۲ - ۲۰۱۴۳ - ۲۰۱۴۴ - ۲۰۱۴۵ - ۲۰۱۴۶ - ۲۰۱۴۷ - ۲۰۱۴۸ - ۲۰۱۴۹ - ۲۰۱۵۰ - ۲۰۱۵۱ - ۲۰۱۵۲ - ۲۰۱۵۳ - ۲۰۱۵۴ - ۲۰۱۵۵ - ۲۰۱۵۶ - ۲۰۱۵۷ - ۲۰۱۵۸ - ۲۰۱۵۹ - ۲۰۱۶۰ - ۲۰۱۶۱ - ۲۰۱۶۲ - ۲۰۱۶۳ - ۲۰۱۶۴ - ۲۰۱۶۵ - ۲۰۱۶۶ - ۲۰۱۶۷ - ۲۰۱۶۸ - ۲۰۱۶۹ - ۲۰۱۷۰ - ۲۰۱۷۱ - ۲۰۱۷۲ - ۲۰۱۷۳ - ۲۰۱۷۴ - ۲۰۱۷۵ - ۲۰۱۷۶ - ۲۰۱۷۷ - ۲۰۱۷۸ - ۲۰۱۷۹ - ۲۰۱۸۰ - ۲۰۱۸۱ - ۲۰۱۸۲ - ۲۰۱۸۳ - ۲۰۱۸۴ - ۲۰۱۸۵ - ۲۰۱۸۶ - ۲۰۱۸۷ - ۲۰۱۸۸ - ۲۰۱۸۹ - ۲۰۱۹۰ - ۲۰۱۹۱ - ۲۰۱۹۲ - ۲۰۱۹۳ - ۲۰۱۹۴ - ۲۰۱۹۵ - ۲۰۱۹۶ - ۲۰۱۹۷ - ۲۰۱۹۸ - ۲۰۱۹۹ - ۲۰۲۰۰ - ۲۰۲۰۱ - ۲۰۲۰۲ - ۲۰۲۰۳ - ۲۰۲۰۴ - ۲۰۲۰۵ - ۲۰۲۰۶ - ۲۰۲۰۷ - ۲۰۲۰۸ - ۲۰۲۰۹ - ۲۰۲۱۰ - ۲۰۲۱۱ - ۲۰۲۱۲ - ۲۰۲۱۳ - ۲۰۲۱۴ - ۲۰۲۱۵ - ۲۰۲۱۶ - ۲۰۲۱۷ - ۲۰۲۱۸ - ۲۰۲۱۹ - ۲۰۲۲۰ - ۲۰۲۲۱ - ۲۰۲۲۲ - ۲۰۲۲۳ - ۲۰۲۲۴ - ۲۰۲۲۵ - ۲۰۲۲۶ - ۲۰۲۲۷ - ۲۰۲۲۸ - ۲۰۲۲۹ - ۲۰۲۳۰ - ۲۰۲۳۱ - ۲۰۲۳۲ - ۲۰۲۳۳ - ۲۰۲۳۴ - ۲۰۲۳۵ - ۲۰۲۳۶ - ۲۰۲۳۷ - ۲۰۲۳۸ - ۲۰۲۳۹ - ۲۰۲۴۰ - ۲۰۲۴۱ - ۲۰۲۴۲ - ۲۰۲۴۳ - ۲۰۲۴۴ - ۲۰۲۴۵ - ۲۰۲۴۶ - ۲۰۲۴۷ - ۲۰۲۴۸ - ۲۰۲۴۹ - ۲۰۲۵۰ - ۲۰۲۵۱ - ۲۰۲۵۲ - ۲۰۲۵۳ - ۲۰۲۵۴ - ۲۰۲۵۵ - ۲۰۲۵۶ - ۲۰۲۵۷ - ۲۰۲۵۸ - ۲۰۲۵۹ - ۲۰۲۶۰ - ۲۰۲۶۱ - ۲۰۲۶۲ - ۲۰۲۶۳ - ۲۰۲۶۴ - ۲۰۲۶۵ - ۲۰۲۶۶ - ۲۰۲۶۷ - ۲۰۲۶۸ - ۲۰۲۶۹ - ۲۰۲۷۰ - ۲۰۲۷۱ - ۲۰۲۷۲ - ۲۰۲۷۳ - ۲۰۲۷۴ - ۲۰۲۷۵ - ۲۰۲۷۶ - ۲۰۲۷۷ - ۲۰۲۷۸ - ۲۰۲۷۹ - ۲۰۲۸۰ - ۲۰۲۸۱ - ۲۰۲۸۲ - ۲۰۲۸۳ - ۲۰۲۸۴ - ۲۰۲۸۵ - ۲۰۲۸۶ - ۲۰۲۸۷ - ۲۰۲۸۸ - ۲۰۲۸۹ - ۲۰۲۹۰ - ۲۰۲۹۱ - ۲۰۲۹۲ - ۲۰۲۹۳ - ۲۰۲۹۴ - ۲۰۲۹۵ - ۲۰۲۹۶ - ۲۰۲۹۷ - ۲۰۲۹۸ - ۲۰۲۹۹ - ۲۰۳۰۰ - ۲۰۳۰۱ - ۲۰۳۰۲ - ۲۰۳۰۳ - ۲۰۳۰۴ - ۲۰۳۰۵ - ۲۰۳۰۶ - ۲۰۳۰۷ - ۲۰۳۰۸ - ۲۰۳۰۹ - ۲۰۳۱۰ - ۲۰۳۱۱ - ۲۰۳۱۲ - ۲۰۳۱۳ - ۲۰۳۱۴ - ۲۰۳۱۵ - ۲۰۳۱۶ - ۲۰۳۱۷ - ۲۰۳۱۸ - ۲۰۳۱۹ - ۲۰۳۲۰ - ۲۰۳۲۱ - ۲۰۳۲۲ - ۲۰۳۲۳ - ۲۰۳۲۴ - ۲۰۳۲۵ - ۲۰۳۲۶ - ۲۰۳۲۷ - ۲۰۳۲۸ - ۲۰۳۲۹ - ۲۰۳۳۰ - ۲۰۳۳۱ - ۲۰۳۳۲ - ۲۰۳۳۳ - ۲۰۳۳۴ - ۲۰۳۳۵ - ۲۰۳۳۶ - ۲۰۳۳۷ - ۲۰۳۳۸ - ۲۰۳۳۹ - ۲۰۳۴۰ - ۲۰۳۴۱ - ۲۰۳۴۲ - ۲۰۳۴۳ - ۲۰۳۴۴ - ۲۰۳۴۵ - ۲۰۳۴۶ - ۲۰۳۴۷ - ۲۰۳۴۸ - ۲۰۳۴۹ - ۲۰۳۵۰ - ۲۰۳۵۱ - ۲۰۳۵۲ - ۲۰۳۵۳ - ۲۰۳۵۴ - ۲۰۳۵۵ - ۲۰۳۵۶ - ۲۰۳۵۷ - ۲۰۳۵۸ - ۲۰۳۵۹ - ۲۰۳۶۰ - ۲۰۳۶۱ - ۲۰۳۶۲ - ۲۰۳۶۳ - ۲۰۳۶۴ - ۲۰۳۶۵ - ۲۰۳۶۶ - ۲۰۳۶۷ - ۲۰۳۶۸ - ۲۰۳۶۹ - ۲۰۳۷۰ - ۲۰۳۷۱ - ۲۰۳۷۲ - ۲۰۳۷۳ - ۲۰۳۷۴ - ۲۰۳۷۵ - ۲۰۳۷۶ - ۲۰۳۷۷ - ۲۰۳۷۸ - ۲۰۳۷۹ - ۲۰۳۸۰ - ۲۰۳۸۱ - ۲۰۳۸۲ - ۲۰۳۸۳ - ۲۰۳۸۴ - ۲۰۳۸۵ - ۲۰۳۸۶ - ۲۰۳۸۷ - ۲۰۳۸۸ - ۲۰۳۸۹ - ۲۰۳۹۰ - ۲۰۳۹۱ - ۲۰۳۹۲ - ۲۰۳۹۳ - ۲۰۳۹۴ - ۲۰۳۹۵ - ۲۰۳۹۶ - ۲۰۳۹۷ - ۲۰۳۹۸ - ۲۰۳۹۹ - ۲۰۴۰۰ - ۲۰۴۰۱ - ۲۰۴۰۲ - ۲۰۴۰۳ - ۲۰۴۰۴ - ۲۰۴۰۵ - ۲۰۴۰۶ - ۲۰۴۰۷ - ۲۰۴۰۸ - ۲۰۴۰۹ - ۲۰۴۱۰ - ۲۰۴۱۱ - ۲۰۴۱۲ - ۲۰۴۱۳ - ۲۰۴۱۴ - ۲۰۴۱۵ - ۲۰۴۱۶ - ۲۰۴۱۷ - ۲۰۴۱۸ - ۲۰۴۱۹ - ۲۰۴۲۰ - ۲۰۴۲۱ - ۲۰۴۲۲ - ۲۰۴۲۳ - ۲۰۴۲۴ - ۲۰۴۲۵ - ۲۰۴۲۶ - ۲۰۴۲۷ - ۲۰۴۲۸ - ۲۰۴۲۹ - ۲۰۴۳۰ - ۲۰۴۳۱ - ۲۰۴۳۲ - ۲۰۴۳۳ - ۲۰۴۳۴ - ۲۰۴۳۵ - ۲۰۴۳۶ - ۲۰۴۳۷ - ۲۰۴۳۸ - ۲۰۴۳۹ - ۲۰۴۴۰ - ۲۰۴۴۱ - ۲۰۴۴۲ - ۲۰۴۴۳ - ۲۰۴۴۴ - ۲۰۴۴۵ - ۲۰۴۴۶ - ۲۰۴۴۷ - ۲۰۴۴۸ - ۲۰۴۴۹ - ۲۰۴۵۰ - ۲۰۴۵۱ - ۲۰۴۵۲ - ۲۰۴۵۳ - ۲۰۴۵۴ - ۲۰۴۵۵ - ۲۰۴۵۶ - ۲۰۴۵۷ - ۲۰۴۵۸ - ۲۰۴۵۹ - ۲۰۴۶۰ - ۲۰۴۶۱ - ۲۰۴۶۲ - ۲۰۴۶۳ - ۲۰۴۶۴ - ۲۰۴۶۵ - ۲۰۴۶۶ - ۲۰۴۶۷ - ۲۰۴۶۸ - ۲۰۴۶۹ - ۲۰۴۷۰ - ۲۰۴۷۱ - ۲۰۴۷۲ - ۲۰۴۷۳ - ۲۰۴۷۴ - ۲۰۴۷۵ - ۲۰۴۷۶ - ۲۰۴۷۷ - ۲۰۴۷۸ - ۲۰۴۷۹ - ۲۰۴۸۰ - ۲۰۴۸۱ - ۲۰۴۸۲ - ۲۰۴۸۳ - ۲۰۴۸۴ - ۲۰۴۸۵ - ۲۰۴۸۶ - ۲۰۴۸۷ - ۲۰۴۸۸ - ۲۰۴۸۹ - ۲۰۴۹۰ - ۲۰۴۹۱ - ۲۰۴۹۲ - ۲۰۴۹۳ - ۲۰۴۹۴ - ۲۰۴۹۵ - ۲۰۴۹۶ - ۲۰۴۹۷ - ۲۰۴۹۸ - ۲۰۴۹۹ - ۲۰۵۰۰ - ۲۰۵۰۱ - ۲۰۵۰۲ - ۲۰۵۰۳ - ۲۰۵۰۴ - ۲۰۵۰۵ - ۲۰۵۰۶ - ۲۰۵۰۷ - ۲۰۵۰۸ - ۲۰۵۰۹ - ۲۰۵۱۰ - ۲۰۵۱۱ - ۲۰۵۱۲ - ۲۰۵۱۳ - ۲۰۵۱۴ - ۲۰۵۱۵ - ۲۰۵۱۶ - ۲۰۵۱۷ - ۲۰۵۱۸ - ۲۰۵۱۹ - ۲۰۵۲۰ - ۲۰۵۲۱ - ۲۰۵۲۲ - ۲۰۵۲۳ - ۲۰۵۲۴ - ۲۰۵۲۵ - ۲۰۵۲۶ - ۲۰۵۲۷ - ۲۰۵۲۸ - ۲۰۵۲۹ - ۲۰۵۳۰ - ۲۰۵۳۱ - ۲۰۵۳۲ - ۲۰۵۳۳ - ۲۰۵۳۴ - ۲۰۵۳۵ - ۲۰۵۳۶ - ۲۰۵۳۷ - ۲۰۵۳۸ - ۲۰۵۳۹ - ۲۰۵۴۰ - ۲۰۵۴۱ - ۲۰۵۴۲ - ۲۰۵۴۳ - ۲۰۵۴۴ - ۲۰۵۴۵ - ۲۰۵۴۶ - ۲۰۵۴۷ - ۲۰۵۴۸ - ۲۰۵۴۹ - ۲۰۵۵۰ - ۲۰۵۵۱ - ۲۰۵۵۲ - ۲۰۵۵۳ - ۲۰۵۵۴ - ۲۰۵۵۵ - ۲۰۵۵۶ - ۲۰۵۵۷ - ۲۰۵۵۸ - ۲۰۵۵۹ - ۲۰۵۶۰ - ۲۰۵۶۱ - ۲۰۵۶۲ - ۲۰۵۶۳ - ۲۰۵۶۴ - ۲۰۵۶۵ - ۲۰۵۶۶ - ۲۰۵۶۷ - ۲۰۵۶۸ - ۲۰۵۶۹ - ۲۰۵۷۰ - ۲۰۵۷۱ - ۲۰۵۷۲ - ۲۰۵۷۳ - ۲۰۵۷۴ - ۲۰۵۷۵ - ۲۰۵۷۶ - ۲۰۵۷۷ - ۲۰۵۷۸ - ۲۰۵۷۹ - ۲۰۵۸۰ - ۲۰۵۸۱ - ۲۰۵۸۲ - ۲۰۵۸۳ - ۲۰۵۸۴ - ۲۰۵۸۵ - ۲۰۵۸۶ - ۲۰۵۸۷ - ۲۰۵۸۸ - ۲۰۵۸۹ - ۲۰۵۹۰ - ۲۰۵۹۱ - ۲۰۵۹۲ - ۲۰۵۹۳ - ۲۰۵۹۴ - ۲۰۵۹۵ - ۲۰۵۹۶ - ۲۰۵۹۷ - ۲۰۵۹۸ - ۲۰۵۹۹ - ۲۰۶۰۰ - ۲۰۶۰۱ - ۲۰۶۰۲ - ۲۰۶۰۳ - ۲۰۶۰۴ - ۲۰۶۰۵ - ۲۰۶۰۶ - ۲۰۶۰۷ - ۲۰۶۰۸ - ۲۰۶۰۹ - ۲۰۶۱۰ - ۲۰۶۱۱ - ۲۰۶۱۲ - ۲۰۶۱۳ - ۲۰۶۱۴ - ۲۰۶۱۵ - ۲۰۶۱۶ - ۲۰۶۱۷ - ۲۰۶۱۸ - ۲۰۶۱۹ - ۲۰۶۲۰ - ۲۰۶۲۱ - ۲۰۶۲۲ - ۲۰۶۲۳ - ۲۰۶۲۴ - ۲۰۶۲۵ - ۲۰۶۲۶ - ۲۰۶۲۷ - ۲۰۶۲۸ - ۲۰۶۲۹ - ۲۰۶۳۰ - ۲۰۶۳۱ - ۲۰۶۳۲ - ۲۰۶۳۳ - ۲۰۶۳۴ - ۲۰۶۳۵ - ۲۰۶۳۶ - ۲۰۶۳۷ - ۲۰۶۳۸ - ۲۰۶۳۹ - ۲۰۶۴۰ - ۲۰۶۴۱ - ۲۰۶۴۲ - ۲۰۶۴۳ - ۲۰۶۴۴ - ۲۰۶۴۵ - ۲۰۶۴۶ - ۲۰۶۴۷ - ۲۰۶۴۸ - ۲۰۶۴۹ - ۲۰۶۵۰ - ۲۰۶۵۱ - ۲۰۶۵۲ - ۲۰۶۵۳ - ۲۰۶۵۴ - ۲۰۶۵۵ - ۲۰۶۵۶ - ۲۰۶۵۷ - ۲۰۶۵۸ - ۲۰۶۵۹ - ۲۰۶۶۰ - ۲۰۶۶۱ - ۲۰۶۶۲ - ۲۰۶۶۳ - ۲۰۶۶۴ - ۲۰۶۶۵ - ۲۰۶۶۶ - ۲۰۶۶۷ - ۲۰۶۶۸ - ۲۰۶۶۹ - ۲۰۶۷۰ - ۲۰۶۷۱ - ۲۰۶۷۲ - ۲۰۶۷۳ - ۲۰۶۷۴ - ۲۰۶۷۵ - ۲۰۶۷۶ - ۲۰۶۷۷ - ۲۰۶۷۸ - ۲۰۶۷۹ - ۲۰۶۸۰ - ۲۰۶۸۱ - ۲۰۶۸۲ - ۲۰۶۸۳ - ۲۰۶۸۴ - ۲۰۶۸۵ - ۲۰۶۸۶ - ۲۰۶۸۷ - ۲۰۶۸۸ - ۲۰۶۸۹ - ۲۰۶۹۰ - ۲۰۶۹۱ - ۲۰۶۹۲ - ۲۰۶۹۳ - ۲۰۶۹۴ - ۲۰۶۹۵ - ۲۰۶۹۶ - ۲۰۶۹۷ - ۲۰۶۹۸ - ۲۰۶۹۹ - ۲۰۷۰۰ - ۲۰۷۰۱ - ۲۰۷۰۲ - ۲۰۷۰۳ - ۲۰۷۰۴ - ۲۰۷۰۵ - ۲۰۷۰۶ - ۲۰۷۰۷ - ۲۰۷۰۸ - ۲۰۷۰۹ - ۲۰۷۱۰ - ۲۰۷۱۱ - ۲۰۷۱۲ - ۲۰۷۱۳ - ۲۰۷۱۴ - ۲۰۷۱۵ - ۲۰۷۱۶ - ۲۰۷۱۷ - ۲۰۷۱۸ - ۲۰۷۱۹ - ۲۰۷۲۰ - ۲۰۷۲۱ - ۲۰۷۲۲ - ۲۰۷۲۳ - ۲۰۷۲۴ - ۲۰۷۲۵ - ۲۰۷۲۶ - ۲۰۷۲۷ - ۲۰۷۲۸ - ۲۰۷۲۹ - ۲۰۷۳۰ - ۲۰۷۳۱ - ۲۰۷۳۲ - ۲۰۷۳۳ - ۲۰۷۳۴ - ۲۰۷۳۵ - ۲۰۷۳۶ - ۲۰۷۳۷ - ۲۰۷۳۸ - ۲۰۷۳۹ - ۲۰۷۴۰ - ۲۰۷۴۱ - ۲۰۷۴۲ - ۲۰۷۴۳ - ۲۰۷۴۴ - ۲۰۷۴۵ - ۲۰۷۴۶ - ۲۰۷۴۷ - ۲۰۷۴۸ - ۲۰۷۴۹ - ۲۰۷۵۰ - ۲۰۷۵۱ - ۲۰۷۵۲ - ۲۰۷۵۳ - ۲۰۷۵۴ - ۲۰۷۵۵ - ۲۰۷۵۶ - ۲۰۷۵۷ - ۲۰۷۵۸ - ۲۰۷۵۹ - ۲۰۷۶۰ - ۲۰۷۶۱ - ۲۰۷۶۲ - ۲۰۷۶۳ - ۲۰۷۶۴ - ۲۰۷۶۵ - ۲۰۷۶۶ - ۲۰۷۶۷ - ۲۰۷۶۸ - ۲۰۷۶۹ - ۲۰۷۷۰ - ۲۰۷۷۱ - ۲۰۷۷۲ - ۲۰۷۷۳ - ۲۰۷۷۴ - ۲۰۷۷۵ - ۲۰۷۷۶ - ۲۰۷۷۷ - ۲۰۷۷۸ - ۲۰۷۷۹ - ۲۰۷۸۰ - ۲۰۷۸۱ - ۲۰۷۸۲ - ۲۰۷۸۳ - ۲۰۷۸۴ - ۲۰۷۸۵ - ۲۰۷۸۶ - ۲۰۷۸۷ - ۲۰۷۸۸ - ۲۰۷۸۹ - ۲۰۷۹۰ - ۲۰۷۹۱ - ۲۰۷۹۲ - ۲۰۷۹۳ - ۲۰۷۹۴ - ۲۰۷۹۵ - ۲۰۷۹۶ - ۲۰۷۹۷ - ۲۰۷۹۸ - ۲۰۷۹۹ - ۲۰۸۰۰ - ۲۰۸۰۱ - ۲۰۸۰۲ - ۲۰۸۰۳ - ۲۰۸۰۴ - ۲۰۸۰۵ - ۲۰۸۰۶ - ۲۰۸۰۷ - ۲۰۸۰۸ - ۲۰۸۰۹ - ۲۰۸۱۰ - ۲۰۸۱۱ - ۲۰۸۱۲ - ۲۰۸۱۳ - ۲۰۸۱۴ - ۲۰۸۱۵ - ۲۰۸۱۶ - ۲۰۸۱۷ - ۲۰۸۱۸ - ۲۰۸۱۹ - ۲۰۸۲۰ - ۲۰۸۲۱ - ۲۰۸۲۲ - ۲۰۸۲۳ - ۲۰۸۲۴ - ۲۰۸۲۵ - ۲۰۸۲۶ - ۲۰۸۲۷ - ۲۰۸۲۸ - ۲۰۸۲۹ - ۲۰۸۳۰ - ۲۰۸۳۱ - ۲۰۸۳۲ - ۲۰۸۳۳ - ۲۰۸۳۴ - ۲۰۸۳۵ - ۲۰۸۳۶ - ۲۰۸۳۷ - ۲۰۸۳۸ - ۲۰۸۳۹ - ۲۰۸۴۰ - ۲۰۸۴۱ - ۲۰۸۴۲ - ۲۰۸۴۳ - ۲۰۸۴۴ - ۲۰۸۴۵ - ۲۰۸۴۶ - ۲۰۸۴۷ - ۲۰۸۴۸ - ۲۰۸۴۹ - ۲۰۸۵۰ - ۲۰۸۵۱ - ۲۰۸۵۲ - ۲۰۸۵۳ - ۲۰۸۵۴ - ۲۰۸۵۵ - ۲۰۸۵۶ - ۲۰۸۵۷ - ۲۰۸۵۸ - ۲۰۸۵۹ - ۲۰۸۶۰ - ۲۰۸۶۱ - ۲۰۸۶۲ - ۲۰۸۶۳ - ۲۰۸۶۴ - ۲۰۸۶۵ - ۲۰۸۶۶ - ۲۰۸۶۷ - ۲۰

ادیب التجار - از دستور بقیه قانون منع احتکار را اعلان فرمودید ولی يك تقاضائی نسبت باین مسئله داشتیم:
رئیس - راجع بدستور اگر فرمایشی دارید بفرمائید.

ادیب التجار - خیر راجع بدستور نیست **حاج عز المالك** - بنده عقیده ام این است مطابق جلسات قبل جلسه را معین فرمائید زیرا اگر چهارشنبه باشد مجبور بشویم پنجشنبه هم جلسه داشته باز دوروز پشت سرهم خواهیم بود

رئیس - رأی میگیریم که فردا جلسه باشد یا روز چهارشنبه (گفته شد روز پنجشنبه)
رئیس - رأی میگیریم که اینک فردا جلسه داشته بانه آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پس رأی میگیریم بر اینکه روز چهار شنبه مجلس باشد یاخیر آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند عده قیام نمودند
رئیس - تصویب نشد پس میماند برای روز پنجشنبه (مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۲۴۳

صورت مشروح جلسه یوم شنبه ۲۴ ذی قعدة ۱۳۲۹

رئیس - آقای مؤتمن الملک دو ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس فرموده و پس از یک ربع جلسه رسماً منقذ شد (آقا میرزا رضا خان نائینی صورت جلسه قبل را قرائت کردند اسامی غائبین جلسه قبیل بترتیب ذیل در ضمن صورت مجلس قرائت گردید

فائزین بدون اجازه د کتر اسمعیل خان - آقای طباطبائی میرزا علی اکبر خان
فائزین با اجازه - حاج سید نصرالله - د کتر حیدر میرزا - آقای ادیب مریض بودند آقایانیکه از اوقات مقررده تأخیر نموده اند .

آقای میرزا مرتضی قلبیخان - آقا عزیزا فاسم خان - آقای مستوفی - حاج شیخ اسدالله هر يك نیم ساعت آقای معتمد التجار ۵۰ دقیقه آقای آقا میرزا ابراهیم قمی یکساعت

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست **آقا شیخ غلامحسین** - در آخر صورت مجلس در ضمن دستور امروز نوشته شده بود (تفریح بودجه مجلس) در صورتیکه تصور میکنم که آقای رئیس در جلسه قبل تفریح بودجه مجلس را از جزء دستور خارج فرمودند

رئیس - بله از دستور خارج شد ملاحظاتی دیگری نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد .

دستخطی از والا حضرت اقدس بر ریاست مجلس رسیده است چون فرموده اند که با اطلاع نمایندگان مجلس برسد قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) ۲۲ ذیقعدة ۱۳۲۹

ریاست مجلس شورای ملی

قانون جدید تکلیف موقع انتخابات را تعیین کرده ولی چون تازه از مجلس گذشته این دفعه

تکلیف آن معلوم نبوده و نظر بانیکه مابین انفصال دوره تقنینیه و امر انتخابات جدید تراضی حاصل نشود اینجاست بوررای عظام در دو روز قبل یادآوری نموده و در غیاب مستشار وزارت داخله و مستشار وزارت عدلیه درخواست کردم و صورت فرمان اعلام انتخابات جدید را حاضر کرده ولی چون میبایستی بتصویب وزراء عظام برسد زیرا که معلوم است در مملکت مشروطه سلطنت عظمی یا نیابت سلطنت نمی تواند بدون تصویب و معاونت وزراء اقدامی در امور نمایند بوساطه بجران کابینه اقدام باین امر معوق مانده برای اینکه نسبت قصور و غفلت بانجناب داده شود این مشروطه را زحمت دادم که در مجلس شورای ملی در این باب کسب تکلیف فرمائید .

رئیس - گمان نمیکنم در این خصوص مذاکره لازم بشود ترتیبش این است که وزرای سابق مشغول کار خودشان باشند و سرکار خودشان بیایند تا وزرای جدید انتخاب شوند اگر مخالفی نباشد همینطور بایشان عرض شود که ترتیب اعلام انتخابات را وزرای سابق بدهند تا وزرای دیگر معین شوند در این خصوص مخالفی نیست (از طرف عموم نمایندگان) اظهارات آقای رئیس تصدیق و تصویب شد .

رئیس - قانون منع احتکار هنوز حاضر نشده است قانون شرکتها جزء دستور است و چند فقره راپورت کمیسیون بوده است قانون شرکتها خوانده میشود ماده پنجاهم .

ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معینی از میان شرکاء مسئول بان انتخاب معین می شوند .

وحید الملک - بنده موافقم ولی لفظ مدیر گویا حل نشده است .

بجهت - این مطلب مکرر مذاکره شد و يك جزوی مانده که باید حل بشود يك مدیر شرکت است و یکی هم مدیر اداره که معین میشود برای شعبات شرکت در ولایات عقیده بنده این است که اگر برای شعبات ولایات باشد که قید بشود مدیر مسئول باشند آن وقت ممکن است بیست سی شعبه داشته باشد شرکت در صورتیکه شرکاء مسئول عده شان بیش از ده نفر نباشد در این صورت بصورت گرفتار میشوند بعقیده بنده باید مدیر شرکت که در مرکز است از شرکاء مسئول باشد حتماً لکن در شعبات اگر از شرکاء غیر مسئول هم باشند عیب ندارد و همین قدر که از شرکاء باشند کافی است بجهت اینکه با يك سرمایه جزئی هم ممکن است شرکت حاصل شود پس بعقیده بنده باید در مدیر مرکز قید بکنیم که حتماً از شرکاء مسئول باشند لکن در مدیر های شعبات از شرکاء غیر مسئول میتوانند تعیین شوند .

افخار الواعظین مخبر کمیسیون - خیر این طوری که اظهار میشود مراد از مدیر شعبات ولایات باشد این طور نیست مراد از این مدیر مدیری است که مسئول امور شرکت و مسئول صلاح و فساد کلیه منافع شرکت است نه مراد رؤسای شعبات ولایات باشد .

حاج عز الممالک - بنده مخالفت سابق خودم را باز تکرار میکنم و هیچ دلیلی نمی بینم در اینکه اینجا قانون میگذاریم برای اینکه مدیر از شرکاء مسئول باشد خیلی مسئله مهمی که آقای مخبر در

جلسات سابقه اظهار میکردند نظر باین بود که مدیر مسئول وجهی در شرکت دارد بیش از سایر شرکاء باین جهت بیشتر دلسوزی خواهد کرد پس بهتر این است که از آن کسی که وجه بیشتر در شرکت دارد از زمانها مدیر باشند و بنده این دلیل را صحیح نمیدانم بجهت اینکه اولاً مدیر شرکت معلوم نیست که مداخله در امر شرکت میکند بقدر سهم و سرمایه خودش که همیشه دلش بسوزد از برای آن وجهی که در شرکت دارد مدیر باید کسی باشد که بموجب آن نظامنامه که نوشته شده میتواند عمل کند و از آن حدود دستخطی نگذرد و این هیچ منافاتی ندارد در اینکه او سرمایه زیاد داشته باشد یا کم بنده تصدیق میکنم که باید شرکاء مسئول انتخاب بکنند و آنها حق خواهند داشت از شرکاء مسئول انتخاب بکنند یا از خارج باعقاد بنده ما نباید دست آنها را به بندیم که اگر يك شخص لایق اداره کردن شرکت باشد خود شرکاء مسئول نباشد آنها نتوانند او را انتخاب کنند و از او استفاده کنند .

افخار الواعظین - بنده گمان کردم بعد از عرایض امروز بنده رفع اشکالات آقای عز الممالک شده باشد بنده عرض کردم مراد از مدیر رؤسای شعبات نیست مراد از مدیران کسی است که مصالح و منافع کلیه شرکت باید با اختیار او باشد کسیکه يك مرتبه میخوهد دولت هزار تومان برای شرکت فرض بکنند یا فرض بدهد جنابعالی بطور تصویب میفرمائید که از شرکاء غیر مسئول باشد البته باید از شرکاء مسئول باشد آن کسیکه اختیار کلیه امور شرکت را میسازند بدست او و به مشورت او آنها باید در مضلات امر شرکت بنشینند و رأی بدهند بدیهی است که آنها باید از شرکاء مسئول باشند از غیر مسئول نمیتود مثل اینکه همین شرکت قند سازی این سیم نقاله را که میخوهد بکشد البته از برای شرکت يك مدیر و يك مدیران باید باشد که بصلاحو صواب دید او با آنها کارهای شرکت اداره شود اما خود مدیر که محققاً نخواهد رفت در معین ذغال سنگ کار بکنند باید يك نفر مهندس را استخدام میکنند که او میرود سر معین کار بکنند مراد از مدیران آن کسی است که در شرکاء مسئول باشد و درست توجه بکنند بامور شرکتی اما آنها کسیکه معامله میکنند یا مدیرهای شعبات مانگفته ایم که آنها حتماً از شرکاء مسئول باشند از شرکاء غیر مسئول هم میتوانند باشند که با آنها مواجب بدهند که مشغول کار باشند .

معین الرعايا - مراد از مدیران در اینجا همان شخصی است که این تجارتخانه را میگرداند مثل همین رئیس بانک شاهنشاهی که در اینجا است و تمام اختیارات بدست او است این رئیس بانک که در اینجا است حقیقتاً مدیر کل است این هیچ لازم نیست که از شرکاء مسئول یا غیر مسئول باشد شخصی که لیاقت داشته باشد که مدیر يك اداره يك تجارتخانه دو بیست سیصد هزار تومانی باشد هیچ تفاوت ندارد که از شرکاء مسئول یا غیر مسئول باشد بعقیده بنده هم نباید دست و پای شرکت را بست ممکن است يك شخص خارجی باشد و خیلی بهتر از خود شرکاء میتواند کار بکند این حقیقتاً يك قیدی است که دست و پای شرکت را می بندد و يك عیب دیگری هم باین قید بنظر بنده میآید و آن این است که ممکن است در شرکت ده نفر شرکاء